

بہترین درسہای زندگی

دربرسی زندگی

سایم سرخوسہا

گردآوری: احمد رضا انصاری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

خداوند، حضرت محمد ﷺ را به پیامبری برگزید تا در ادامه رسالت انبیای پیشین به هدایت مردم پردازد و سنت هدایت بشر از سوی خداوند را استمرار بخشد. آن حضرت ﷺ همانند همه پیامبران الهی در راه خدا کوشید و در طی ۲۳ سال رسالت خود، علاوه بر مردم شبه جزیره العرب مردم دیگر سرزمینها را به اسلام فراخواند و زمینه گسترش اسلام را فراهم ساخت به طوری که پس از وفات آن حضرت، طولی نکشید که سرزمینهای بسیاری توسط مسلمانان فتح شد و دایره گسترش اسلام اکثر نواحی خاور میانه را در بر گرفت. در بررسی عوامل گسترش اسلام در میان مردم حجاز، عوامل چندی را می توان برشمرد، اما به طور مسلم، از مهم ترین و پر اهمیت ترین این عوامل، شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و اخلاق بسیار خوب ایشان بود. آن حضرت ﷺ با اخلاق کریمه خود توانست دلها را به سوی اسلام جذب کند. برخوردهای آن حضرت، دوستان و یارانش را مجذوب تر و دشمنانش را سرافکننده و خجل می ساخت.

خدای متعال از سجایای اخلاقی پیامبر با تعبیر «خُلُقِ عَظِیْمٍ» یاد کرده و می فرماید:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ. (قلم: ۴)

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری.

و در آیه دیگر به تأثیر غیر قابل انکار اخلاق پیامبر ﷺ در جلب قلوب و جذب پیروان اشاره دارد:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَوَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ... (آل عمران: ۱۵۹)

به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم و مهربان شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند.

امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف شخصیت آن حضرت می فرماید: «هر کس بدون آشنایی قبلی او را می دید، هیبتش او را فرا می گرفت و هر کس با او معاشرت می کرد، دوستدار او می شد.» در برخورد با اصحاب خویش، به طور مساوی نسبت به آنها بذل توجه می کرد و همواره خوش رو و متبسم بود. او خشن، سنگدل، تندخو، دشنام گو، عیب جو و پرمزاح نبود.

عفو و گذشتش نسبت به هر کس که ظلم به او کرده بود، نزد همه شهرت داشت. او حتی «وحشی» قاتل عمویش حمزه را بخشید و ابوسفیان با آنهمه سابقه شرارت علیه اسلام را مورد عفو قرار داد. با افراد چنان رفتار صمیمی داشت که هر فردی گمان می کرد پیامبر نهایت علاقه و دوستی را با او دارد و او را بر دیگران ترجیح می دهد. ترجیح عفو و گذشت بر انتقام، وفاداری بر عهد و پیمان حتی با دشمنان، تفکر، تدبیر و دوراندیشی در مسائل، تواضع و فروتنی بسیار، رعایت نظافت و پاکیزگی، رعایت ادب در برخورد با دیگران، احترام به افکار یاران و مشورت با آنان، پرهیز از دنیاطلبی و دنیا دوستی و ... تنها نمونه هایی از اخلاق بسیار پسندیده آن حضرت بود که هر یک به گونه ای سبب جلب افراد به آیین اسلام می گردید. تاریخ سیاسی

اسلام، رسول جعفریان، ص ۱۶ و ۱۵، به نقل از الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ج ۱، ص ۱۵۰. و به نقل از المعرفة والتاريخ، ج ۳، ص ۲۸۷.

اما جنبه دیگری از رفتار آن حضرت که سهم بسیار والایی در گسترش اسلام داشت، تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر آن حضرت، همراه دلسوزی فراوان برای هدایت افراد به اسلام بود.

خداوند متعال در توصیف هدایتگری آن حضرت می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. (توبه: ۱۲۸)

به یقین رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است.

و این هم ناشی از اخلاق زیبا و پسندیده آن انسان کامل و آن شخصیت بی‌بدیل و آن برگزیده ویژه الهی است بررسی و مراجعه به سیره و روش آن انسان شایسته، برای الگو‌گیری و درس گرفتن از ظرائف حرکات و سکنات اوست چرا که بفرمایش خداوند عز و جل در قرآن شریف، او بهترین الگو برای مومنان، در این دنیای پرآرزوستی و کجی است

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۰۳۳ | احزاب - ۲۱)

به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

حقیقرد این مختصر با وسع و توان ضعیف و کم، به بررسی و کاوش گوشه‌هایی از زندگی آن حضرت و آنچه در منابع مسلمین از شیعه و سنی آمده، برای درس گرفتن از آن منبع نور و بکارگیری آن در زندگیهای ظلمانی و پرتلاطم و پرفراز و نشیب خودمان و همه انسانهایی که تشنه آب خوشگوار و محتاج نورانیت این شخصیت مقدس آسمانی هستند، پرداخته‌ام.

باشد که این مختصر دریچه‌ای کوچک باشد برای استزاعه و نورگرفتن از آن معدن نورو بال ملخی باشد به ساحت مقدس آن رادمرد الهی.

به امید اینکه از این کوچکترین این تلاش ناقص و ناچیر را بپذیرند و در روزهای نیازم بالطف و عنایتشان مرا دستگیری نموده و از آب کوثر بدست پر برکت خود و دست ساقی کوثر مولایم امیرالمومنین علی عليه السلام، سیرابم کنند

که آن دوبرگوار، حجت‌خدایی اند که «يقبل اليسير ويعفوا عن الكثير».

کوچکترین و ناقابلترین خدام امام عصر ارواحنا فداه

جمادی الثانی ۱۴۴۵ مطابق با آذر ۱۴۰۲

احمد رضا انصاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الف - اخلاقی

۱ - کلیات

قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا أَفْضَلُ مَا أُعْطِيَ الْمَرْءَ الْمُسْلِمُ قَالَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الخصال، ج ۱، ص: ۳۱

برسول خدا ﷺ عرض شد بهترین چیزی که بمرد مسلمان عطا شده چیست؟ فرمود حسن خلق.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ قَالَ إِنَّ الْخُلُقَ الْحَسَنَ يُذِيبُ الذُّنُوبَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَمَدَ وَإِنَّ الْخُلُقَ السَّيِّئَ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النص، ص: ۲۲۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اخلاق خوب گناهان را آب می کند همان طوری که آفتاب اشیاء منجمد را آب می نماید، اخلاق بد عمل را از بین می برد همان گونه که سرکه عسل را.

وَ قَالَ ﷺ أَثْقَلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ مَجْمُوعَةٌ وَرَامَ، ج ۱، ص: ۸۹

و نیز آن گرامی فرمود: «سنگین ترین چیزی که در میزان گذاشته می شود، خلق نیکو است.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۸، ص: ۳۷۵

از حضرت صادق علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود بیشترین چیزی که موجب دخول است ببهشت می شود تقوای الهی و اخلاق نیک است.

۲ - اخلاق قرآنی حضرت

فِي الْمَحْجَةِ الْبَيْضَاءِ لِلْفَيْضِ: قَالَ سَعْدُ بْنُ هِشَامٍ: دَخَلَتْ عَلَيَّ عَائِشَةُ، فَسَأَلْتَهَا عَنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله؟ فَقَالَتْ: أَمَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَتْ: خَلَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْقُرْآنَ. وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ

« سعد بن هشام گوید: نزد عایشه رفتم و از وی در باره اخلاق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله پرسیدم، گفت: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: چرا، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] ق

رآن است

در مجموعه ورام هم روایتی با این مفاد آورده شده

*عن يزيد بن بابنوس قال: قلنا لعائشة: يا أم المؤمنين، كيف كان خلق رسول الله، صلى الله عليه وسلم؟ قالت: كان خلق رسول الله، صلى الله عليه وسلم، القرآن. ثم قالت: تقرأ سورة المؤمنين؟ اقرأ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى الْعَشْرِ حَتَّى بَلَّغَ الْعَشْرِ، فَقَالَتْ: هَكَذَا كَانَ خَلْقَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

یزید بن بابنوس گوید عایشه گفتم اخلاق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله چگونه بود؟، گفت: آیا قرآن نمی خوانی؟ گفتم: چرا، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] قرآن است بعد گفت آیات اول تا آیه دهم سوره مومنون را بخوان بعد گفت اینگونه بود اخلاق پیامبر ﷺ

*عن أبي الدرداء، قال: سألت عائشة عن خلق رسول الله، صلى الله عليه وسلم، فقالت: كان خلقه القرآن: قالت: كان خلق رسول الله صلى الله عليه وسلم القرآن ..

ابی ادرء گوید از عایشه در باره اخلاق رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله پرسیدم، گفت: اخلاق رسول خدا [همان دستورات اخلاقی] قرآن است

عن عطية العوفي في قوله تعالى: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ قال: أدب القرآن.

در ذیل آیه وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فرموده منظور ادب قرآن هست

۳- اخلاق خوش نبوی

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۰۰۳ | آل عمران - ۱۵۹)

به سبب رحمت الهی، در برابر مؤمنان، نرم و مهربان شدی! و اگر خشنو سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب؛ و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۰۶۸ | قلم - ۴)

و تو بر اخلاق عظیم و برجسته ای هستی (تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری.)

۱- سیرت همیشگی خوش خلقی

۱- فی الکافی: مسندا، عن «بحر السقا» عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا بحر! حسن الخلق يسر - ثم ذكر حديثا معناه: - إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان حسن الخلق.

. امام صادق عليه السلام به بحر سقاء فرمود: ای بحر، خوش خلقی مایه آسانی امور و شادی زاست ... سپس حدیثی نقل فرمود که می‌رساند رسول خدا صلی الله علیه و آله (براساس سنجیه و خلق همیشه گیش) خوش خلق بود.

۲- استمداد از خدا بر خوش خلقی

۲- کان رسول الله صلى الله عليه وآله كثير الضراعة و الابتهاال إلى الله تعالى، دائم السؤال من الله تعالى، أن يزينه بمحاسن الاداب و مكارم الأخلاق، فكان يقول في دعائه: «اللهم حسن خلقى» و يقول: «اللهم جنبني منكرات الأخلاق المحجّة البيضاء

۴: ۱۱۹، سنن النبي صلى الله عليه وآله و سلم: ۱۲۷ ح ۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار به درگاه خدا تضرع و زاری می‌نمود و همیشه از خداوند درخواست می‌کرد که او را به آداب پسندیده و اخلاق نیک زینت بخشد، از این رو در دعای خود می‌گفت: خدایا اخلاق مرا نیکو ساز ... خدایا مرا از اخلاق ناپسند دور ساز.

۳- خیر دنیا و آخرت در خوش خلقی

۳- عن الحسين بن خالد، عن علي بن موسى الرضا عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام في حديث - قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن جبرئيل الروح الأمين نزل علي من عند رب العالمين، فقال: «يا محمد عليك بحسن الخلق فإن سوء الخلق ذهاب بخير الدنيا و الآخرة». ألا و إن أشبهكم بي أحسنكم خلقا. المجالس للصدوق ص ۳۰۴ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۶۸، ص: ۳۸۷ عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۵۰

از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش در حدیثی نقل است که پیامبر اکرم فرمودند جبرئیل امین از نزد پروردگار جهانیان بر من نازل و گفت ای محمد بر تو باد به خوش اخلاقی که بد اخلاقی خیر و خوبی (وبرکات) را از انسان دور میکند و شبیه ترین شما به من خوش اخلاقتین شماست

۴- پیامبر رافت و رحمت با چهره بشاش

۴- عن الحسين بن زيد قال: قلت لجعفر بن محمد عليهما السلام: جعلت فداك هل كانت في النبي صلى الله عليه وآله و آله مداعبة؟ فقال عليه السلام: «وصفه الله «بخلق عظيم» و إن الله بعث أنبيائه فكانت فيهم كزارة. و بعث محمدا صلى الله عليه وآله بالرفقة و الرحمة، و كان من رأفته صلى الله عليه وآله و آله لأمتة مداعبته لهم لكيلا يبلغ بأحد منهم التعظيم حتى لا ينظر إليه. ثم قال: حدثني أبي محمد، عن أبيه علي، عن أبيه الحسين، عن أبيه علي عليهم السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله ليسرّ الرجل من أصحابه إذا رآه مغموما بالمداعبة. و كان صلى الله عليه وآله يقول: إن الله يبغض المعبّس في وجه اخوانه كشف الريبة: ۱۱۹ ح ۶، مستدرک الوسائل ۸: ۴۰۷ ح ۹۸۱۷، سنن النبي صلى الله عليه وآله و سلم: ۱۲۷ ح ۱۰.

حسین بن زید گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با کسی شوخی می کرد؟ فرمود: خداوند او را به داشتن خلقی بزرگ ستوده است، در همه پیامبرانی که خداوند برانگیخت نوعی خشونت و گرفتگی وجود داشت، ولی محمد صلی الله علیه و آله را با مهر و رأفت آن حضرت به امتش این بود که با آنان شوخی می کرد تا مبادا عظمتش چندان در آنان تأثیر کند که نتوانند به او نگاه کنند! جدم علی علیه السلام فرمود: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از یارانش را غمگین می دید با شوخی کردن دل او را شاد می ساخت. آن حضرت می فرمود: خداوند کسی را که با ترشروی با برادرانش دیدار کند دشمن می دارد

۵- خوش خلقی محبوب و دستور صریح خدای تعالی

۵- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) وَجُوهًا خَلَقَهُمْ مِنْ خَلْفِهِ وَ أَرْضِهِ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ إِخْوَانِهِمْ، يَرُونَ الْحَمْدَ مُجَدًّا، وَ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) يُحِبُّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، وَ كَانَ فِيهَا خَاطَبَ اللَّهِ (تَعَالَى) بِهِ نَبِيِّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، أَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». قَالَ: السَّخَاءُ، وَ حَسَنُ الْخُلُقِ. الْأَمَالِيُّ (لِلطُّوسِيِّ)، ج ۱، ص: ۳۰۹ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۸، ص: ۳۹۱

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا عز و جل آبرومندانی میان خلقش آفریده و آنان را در روی زمین بدنبال حوائج برادرانشان کشانده و سپاس را بزرگواری دانند خدا عز و جل دوست دارد اخلاق ارجمند را، و در ضمن خطاب به پیغمبرش باو فرموده: ای محمد (آیه ۴ سوره القلم) راستی که تو بر خلق عظیمی استواری " فرمود: مقصود سخاوت و خوشخوئی است.

۶- اخلاق نیک و سلوک پسندیده سبب زینت نزد خدا و مردم

۶- عَنْ الْبَاقِرِ أَوْ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ مِمَّا يُزَيِّنُ الْإِسْلَامَ الْأَخْلَاقُ الْحَسَنَةُ فِيمَا بَيْنَ النَّاسِ فَتَوَاطَبُوا عَلَيَّ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَحَسَنِ الْهَدْيِ وَ السَّمْتِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُزَيِّنُكُمْ عِنْدَ النَّاسِ إِذَا نَظَرُوا إِلَى مَحَاسِنِ مَا تَنْطَفُونَ بِهِ وَ الْفَوْكُمُ عَلَيَّ مَا يَسْتَطِيعُونَ بِنَفْسِكُمْ فِيهِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ وَ هُوَ الْخُلُقُ الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ مَشْكَاءُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۲۴۱ عوالم العلوم ج ۲۰ ص ۷۴۱

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: از چیزهایی که به اسلام زینت می بخشد خوش اخلاقی با مردم است، اینک پاس دارید خوش اخلاقی و حسن سلوک و اخلاق پسندیده را، زیرا اخلاق نیک و سلوک پسندیده شما را در نزد مردم زینت می بخشد؛ هر گاه دیدند شما دارای سخن سنجیده هستید و نتوانستند سخنانتان را نقض کنند، و خدای عز و جل به حق فرموده: (تو اخلاقی بزرگوارانه داری)، و این اخلاقی است که مایه آبروی شماست.

۷- غیرت شدید در بین صفات زیبای اخلاقی پیامبر

۷- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ لِلرَّجُلِ تَكُونُ الْجَارِيَةَ أَوْ الْجَوَارِي أَوْ الْمَرْأَةَ قَالَ يَقْفَلُ عَلَيْهِنَّ الْأَنْوَابَ وَ يُشَدُّ عَلَيْهِنَّ غَيْرَةً مِنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام غَيُورًا وَ أَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَ جَدَّعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مَشْكَاءُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۲۳۷ مكارم الاخلاق ص ۲۳۹ بحار الانوار ج ۱۰ ص ۲۴۸

اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مردی در خانه کنیز یا کنیزها و زنی دارد (تکلیفش چیست)؟ فرمود: درها را به روی آنها قفل کند، و بر آنان سخت بگیرد به خاطر غیرتی که دارد.

امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابراهیم (صلوات الله علیه) غیرتمند بود، و من از او غیرتمندترم، خداوند بینی مؤمنی را که غیور نباشد خرد کند.

۴- دستورات الهی به اخلاق خوب (وصفات خوب الهی) به پیامبر اکرم ﷺ

خَذِ الْعَفْوَ وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرَضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۰۰۷ | اعراف - ۱۹۹)

(به هر حال) با عفو و مدارا رفتار کن، و به کارهای شایسته دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن).

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۰۲۶ | شعراء - ۲۱۵)

و پر و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند فرود آر.

وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۰۱۵ | حجر - ۹۹)

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین تو را فرارسد (و از جهان چشم فروبندی).

۱- سفارشهای ویژه اخلاقی حقتعالی

قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: أَوْصَانِي رَبِّي بِسَبْعٍ: أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ، وَ أَنْ أَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَ أُعْطَى مِنْ حَرَمِنِي وَ أُصَلِّ مِنْ قَطْعِنِي، وَ أَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا، وَ نَظْرِي عَبْرًا. بَحَارِجِ ۷۷ ص ۱۷۰

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت چیز دستور فرموده است: مرا سفارش کرده که در تمام کارهای پنهان و آشکارم اخلاص و رزم، و از کسی که بر من ستم نماید درگذرم، و به هر که مرا محروم سازد بخشش کنم، و با هر که با من قطع رابطه کرد رابطه برقرار سازم، و سکوتم برای تفکر، و نگاهم برای پند و عبرت باشد.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَعْظَمِ الصَّدَقَةِ وَ قَالَ ﷺ أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ مَشْكَاءَ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۲۱۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کمک توبه شخص ضعیف بزرگترین صدقه است. و فرمود: پروردگارم مرا به خوشرفتاری با مردم امر فرموده، همان طور که به واجبات امر فرموده.

و فی کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی: عن جابر، قال: قال ابو جعفر علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

انانی جبرئیل فقال: ان الله يأمرک أن تحب علیاً، و أن تأمر بحبّه و ولايته. الحديث ص ۶۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: خداوند تو را امر می کند که علی علیه السلام را دوست بداری، و دیگران را نیز به دوستی و ولایت او امر نمایی.

۲- تربیت شده خداوند به بهترین اخلاق

۱- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهٖ حَتَّىٰ إِذَا أَقَامَهُ عَلَيَّ مَا أَرَادَ قَالَ لَهُ- وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرَضُ عَنِ الْجَاهِلِينَ فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله زَكَاهُ اللَّهُ فَقَالَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ فَلَمَّا زَكَاهُ فَوَضَّ إِلَيْهِ دِينَهُ فَقَالَ- مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا فَحَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كُلَّ مُسْكِرٍ فَاجَازَ اللَّهُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الصَّلَاةَ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَّتْ أَوْقَاتَهَا فَاجَازَ اللَّهُ ذَلِكَ لَهُ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۳، ص: ۴۸۵

از امام ششم علیه السلام نقل است که فرمود براستی خدا پیغمبرش را پرورید تا بدان جا که خواست رسید و برایش فرمود «بفرما بکار خوب و رو گردان از نادانها، ۱۹۹- الاعراف» و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد خدایش ستود و فرمود «راستی تو بر خلق و شیوه بزرگی هستی، ۴- القلم» و چون او را پاک و ستوده کرد دینش را بدو وانهاد و فرمود: «آنچه آورد برای شما رسول بگیرید و آنچه را قدغن کرد از آن وانهدید، ۷- الممتحنه» و خدا می انگور را حرام کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر مست کننده را خدا همه را امضاء کرد، و خدا فرمان نماز را فرو آورد و رسول خدا صلی الله علیه و آله اوقاتش را معین کرد و خدا امضاء کرد

۲- عن مولانا امیرالمومنین يَا كَمِيلُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَدَّبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ أَدَّبَنِي وَ أَنَا أُودِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُوْرَثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۲۶۷

ای کمیل! همانا رسول خدا را خداوند عز و جل تربیت کرد و او مرا تربیت نمود و من مؤمنان را تربیت میکنم و مردمان گرامی را ادب ارث میدهم.

۳- عن أبي عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أمرني ربي بسبع خصال: حب المساكين و الدنو منهم، و أن أكثر من «لا حول و لا قوة الا بالله» و أن أصل برحمتي، و إن قطعني و أن أنظر الي من هو أسفل مني، و لا أنظر من هو فوقی، و أن لا يأخذني في الله لومة لائم، و أن أقول الحق، و أن كان مرا، و أن لا أسئل احدا شيئا. ص ۷۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت خصلت دستور فرموده: دوست داشتن مساکین و تهیدستان و نزدیک شدن به آنان، و اینکه فراوان ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» بگویم، و با خویشان خود صله رحم کنم اگر چه آنان با من قطع رابطه کرده باشند، و ادر امور مادی [به کسانی که پایین تر از من قرار دارند بنگرم و به بالاتر از خود نگاه نکنم، و در راه خدا سرزنش سرزنش کننده مرا دلسرد نکند، و حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، و از کسی چیزی درخواست نکنم.

۴- وَقَالَ صلى الله عليه وآله أَوْصَانِي رَبِّي بِتِسْعِ أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَنْ أَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَ أُعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي وَ أُصِلَ مَنْ قَطَعَنِي وَ أَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا وَ مَنْطِقِي ذِكْرًا وَ نَظْرِي عَبْرًا . تحف العقول، النص، ص: ۳۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم مرا به نه چیز توصیه کرده: اخلاص در نهدان و عیان، عدالت در حال آرامش و غضب، میانه روی در فقر و غنا، عفو از آنکه بر من ستم کرده و پیوند با آنکه از من بریده، فکر هنگام سکوت، ذکر در وقت گفتار و عبرت در حال نگاه.

۳- صفات بداخلاقی کارهای نیک آدمی را تباه می سازد آنچنان که سرکه عسل را.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدِيبِي أَمَرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَالْبِرِّ وَنَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَالْجَفَاءِ وَمَا شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْبُخْلِ وَسُوءِ الْخُلُقِ وَإِنَّهُ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۱۶ ص ۲۳۱

از ابن عباس از پیغمبر اکرم ﷺ که فرمود: من تربیت شده خداوندم و علی علیه السلام ادب شده من است. پروردگرم مرا به سخاوت و نیکی امر کرده، و از بخل و جفاکاری نهی نموده و هیچ چیز نزد خداوند متعال از بخل و بد اخلاقی مبعوضتر نمی باشد که این دو کارهای نیک آدمی را تباه می سازد آنچنان که سرکه عسل را.

۴- خیر و بهره خوب (دنیا و آخرت) در اطاعت اهل بیت علیهم السلام

عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ النَّحْوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ فَقَالَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ قَالَ ثُمَّ فَوَضَّ إِلَيْهِ الْأَمْرَ فَقَالَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَقَالَ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص فَوَضَّ إِلَيَّ عَلِيٌّ ﷺ وَائْتَمَنَهُ فَسَلَّمْتُمْ وَجَدَدَ النَّاسُ فَوَاللَّهِ لَنُحِبُّكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَ أَنْ تَصْمَتُوا إِذَا صَمَتْنَا وَ نَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ مَا جَعَلَ لِأَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ فِي خِلَافٍ أَمْرَنَا. بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۲۳، ص: ۲۹۵

تفسیر عیاشی: ابو اسحاق نحوی گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود خداوند پیامبرش را بمحبت خود تربیت نمود فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» آنگاه دین را در اختیار او گذاشت فرمود ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و فرمود: مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نیز در اختیار علی و جانشینانش گذاشت شما قبول کردید ولی مردم منکر شدند بخدا قسم ما بشما محبت می ورزیم که پیرو ما باشید در گفتار و خاموشی ما واسطه هستیم بین شما و خدا سوگند بخدا بهره ای برای احدی نیست در صورتی که خلاف امر ما را نماید.

۵- مدارا (همکاری و همزیستی) یا مردم، سفارش خدای تعالی

مِنْ كِتَابِ الْمُحَاسِنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ جَاءَ جَبْرَائِيلُ ﷺ إِلَيَّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارَ خُلُقِي مَشَاةَ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّصِّ، ص: ۱۷۷

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد خداوند تو را سلام می رساند و می فرماید: با مردم مدارا کن و گذشت نما.

وَ قَالَ ﷺ أَمَرَنِي رَبِّي بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِتَبْلِيغِ الرَّسَالَةِ مَشَاةَ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّصِّ، ص: ۱۷۷

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید: با مخلوق مدارا کن.

و فرمود: پروردگرم مرا به سازگاری با مردم امر فرموده، همچنان که به تبلیغ رسالتم امر فرمود.

۶- ادب تقیه برای هر چه موفق شدن

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ وَ لَقَدْ أَدَّبَهُ اللَّهُ بِالتَّقِيَّةِ، فَقَالَ ادْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا
الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ . هِدَايَةُ الْأُمَّةِ إِلَى أَحْكَامِ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ج- ٥، ص: ٥٨٥

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگرم بمن فرمان داده بمدارا و سازش با مردم چنانچه بانجام واجبات، و البته که خدا عز و جل او را به تقیه پرورش داده و فرموده (٣٤ سوره فصلت دفاع کن بدان چه نیکوتر است که کسی که با او دشمنی داری چون دوست مهربانی شود.

٧- نهی خداوند تعالی از نزاع و کشمکش با مردم

عن الصادق عليه السلام، عن النبي صلى الله عليه و آله قال: إن أول ما نهاني عنه ربي عز و جل - إلى أن قال -: و ملاحظة
الرجال...أما لي صدوق ص ٩٣

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از نخستین چیزهایی که خداوند مرا از آنها نهی کرد نزاع و کشمکش با مردم بود.

ب- سیره و روش عملی

١- نشستن حضرت و آداب نشستن

١- رعایت حال کوچک و بزرگ

احادیث این قسمت عمدتاً از بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ١٦، ص: ٢٤٠ و ٢٤١ نقل شده

وَ كَانَ ﷺ يُؤْتِي بِالصَّبِيِّ الصَّغِيرِ لِيَدْعُوَ لَهُ بِالْبَرَكَةِ أَوْ يَسْمِيَهُ فَيَأْخُذُهُ فَيَضَعُهُ فِي حِجْرِهِ تَكْرِمَةً لِأَهْلِهِ فَرَبَّمَا بِالِ الصَّبِيِّ عَلَيْهِ
فَيَصِيحُ بَعْضُ مَنْ رَأَاهُ حِينَ بَالَ فَيَقُولُ ﷺ لَا تُزْرَمُوا بِالصَّبِيِّ فَيَدْعُوهُ حَتَّى يَقْضِيَ بَوْلَهُ ثُمَّ يَفْرُغُ لَهُ مِنْ دُعَائِهِ أَوْ تَسْمِيَتِهِ وَ يَبْلُغُ
سُرُورَ أَهْلِهِ فِيهِ وَ لَا يَرُونَ أَنَّهُ يَتَأَدَّى بِبَوْلِ صَبِيهِمْ فَإِذَا أَنْصَرَفُوا غَسَلَ تَوْبَهُ بَعْدَ وَ دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ وَ هُوَ جَالِسٌ وَحْدَهُ فَتَزَحَّزَحَ
لَهُ فَقَالَ الرَّجُلُ فِي الْمَكَانِ سَعَةً يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ﷺ إِنَّ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا رَأَاهُ يُرِيدُ الْجُلُوسَ إِلَيْهِ أَنْ يَتَزَحَّزَحَ لَهُ

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ١٦، ص: ٢٤٠

همواره کودکان خردسال را بمحضر پیغمبر ﷺ میبردند تا برای آنها از خدا برکت بخواهد یا او را نامی بگذارد، حضرت برای احترام به خانواده اش کودک آنها را بر دامن خود میگذارد و چه بسا که کودکی بر دامن آن بزرگوار بول می کرد و یکی از حاضران در موقع بول کردن کودک بانگ بر او میزد. حضرت می فرمود: از ادراک کودک جلوگیری نکنید و کودک را آسوده می گذاشت تا بولش را تمام کند و بعد برای او دعا می کرد یا اسم گذاری می نمود و خانواده اش را خوشحال می ساخت بطوری که می فهمیدند که حضرت از بول کودکشان ناراحت نشده و پس از آنکه میرفتند پیغمبر لباسش را می شست.

مردی وارد مسجد شد و پیغمبر تنها بود حضرت خود را بکنار کشید و برای او جا باز کرد، مرد گفت یا رسول الله جا زیاد و وسیع است، حضرتش فرمود: حق مسلمان بر مسلمان اینست که وقتی ببیند که می خواهد در کنارش بنشیند کنارتر برود و برای او جا باز کند.

۲- نشست و برخاست از روی تکبر موردنهی خدا و رسول

۱- رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَمْتُلَّ لَهُ الرَّجَالُ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ فِي النَّارِ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۲۴۰

روایت است که پیغمبر ﷺ فرمود: هر کس (از روی تکبر) دوست بدارد که مردم برایش برخیزند جایگاه خود را در آتشآماده کند

۲- قَالَ ﷺ لَا تَقُومُوا كَمَا تَقُومُ الْأَعَاجِمُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ

و نیز فرمود: آنچنان که عجم‌ها برای یک دیگر بر می‌خیزند بر مخیزید ولی اشکالی ندارد که جا باز کنید.

۳- نشستن در مکان پایین تر از شان اجتماعی

۱- رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مِنْ كِتَابِ الْمُحَاسِنِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا قَعَدَ فِي أَدْنَى الْمَجْلِسِ حِينَ يَدْخُلُ

از امام صادق علیه السلام روایت شده (در کتاب محاسن) که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون وارد منزلی می‌شد در نزدیک‌ترین مکان ورود می‌نشست:

۲- رُوِيَ عَنْهُ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ مَجْلِسًا فَلْيَجْلِسْ حَيْثُ مَا أَنْتَهَى مَجْلِسُهُ

و نیز از حضرت صادق علیه السلام ۷ است که: پیغمبر ۹ فرمود وقتی کسی وارد مجلسی شد هر جا که خالی است بنشیند.

۴- نشستن روبه قبله و خوابیدن با ذکر الهی

و عَنْهُ ﷺ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ

نیز از آن حضرت روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله بیشتر رو به قبله می‌نشست.

و كَانَ ﷺ يَقُولُ عِنْدَ مَنَامِهِ بِسْمِ اللَّهِ أَمُوتْ وَ أَحْيَا وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اسْتَرْ عَوْرَتِي وَ أَدِّ عَنِّي أَمَانَتِي

مکارم الأخلاق، ص: ۳۸

پیغمبر صلی الله علیه و آله بهنگام خواب می‌فرمود: «بنام خدا میمیرم و زنده‌ام و بازگشت ما بسوی خداوند است (سرنوشت ما بدست اوست). بار خدایا مرا از آنچه می‌ترسم در امان بدار و عورت و اسرار مرا پوشیده بدار و امانت مرا ادا کن.»

۵- حق مجالس را ادا کنید

و رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ أَعْطُوا الْمَجَالِسَ حَقَّهَا قِيلَ وَ مَا حَقُّهَا قَالَ غَضُّوا أَنْبَارَكُمْ وَ رَدُّوا السَّلَامَ وَ أَرْشِدُوا الْأَعْمَى وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

و نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: حق مجالس را ادا کنید، پرسیدند حق مجالس چیست؟ فرمود: چشمانتان را فرو هلید و سلام را جواب گوئید و نابینایان را راهنمایی کنید و امر بمعروف و نهی از منکر نمائید.

۶- نحوه و چگونگی نشستن

۱- عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا جَلَسَ جَلَسَ الْقُرْفُصَاءَ

ابی امامه، گوید: پیغمبر اکرم ﷺ بطور قرفصاء می نشست. (آن باین نحو است که کپل بر زمین قرار گیرد و رانها بچسبد و دست دور ساق پا حلقه شود،)

۲- مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ، وَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَجْلِسُ ثَلَاثًا يَجْلِسُ الْقُرْفُصَاءَ وَ هِيَ أَنْ يُقِيمَ سَاقِيهِ وَ يَسْتَقْبِلُهُمَا بِبَيْدَيْهِ فَيَسُدُّ بَدَّهُ فِي ذِرَاعِهِ وَ كَانَ يَجْثُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ كَانَ يَثْنِي رِجْلًا وَاحِدَةً وَ يَبْسُطُ عَلَيْهَا الْأُخْرَى وَ لَمْ يَرِ مَتْرَبَعًا قَطُّ وَ كَانَ يَجْثُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ لَا يَتَكَبَّرُ

از کتاب محاسن: پیغمبر ﷺ سه گونه می نشست: یکی قرفصاء و آن باین نحو است که کپل بر زمین قرار گیرد و رانها بچسبد و دست دور ساق پا حلقه شود، و گاه بر دو زانو می نشست و گاه یک پا را تا می کرد و پای دیگر را بر آن قرار می داد، و هرگز دیده نشد که چهار زانو بنشیند، و دو زانو می نشست و هرگز تکیه نمی کرد.

۲- عفو و صفح (بخشش و گذشت)

وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (شوری - ۴۰)

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ ولی هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او باخداست؛ به یقین او ستمکاران را دوست ندارد.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۰۰۳ | آل عمران -

۱۳۴)

(همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از (خطای) مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد

۱- بهترین اخلاق دنیا و آخرت

عن جعفر بن محمد رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي خُطْبَتِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ الْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَ فِي التَّبَاغُضِ الْخَالِقَةُ لَا أُعْنِي خَالِقَةَ الشَّعْرِ وَ لَكِنَّ خَالِقَةَ الدِّينِ

الأمالی (للمفید)، النص، ص: ۱۸۱

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق رضی الله عنه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنرانی خود فرمود: آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت خبر ندهم؟ آنها عبارتند از: گذشت از آن کس که به تو ستم روا داشته، و اینکه پیوند کنی با آن کس که رابطه اش را از تو بریده، و نیکی نمودن به آن کس که به تو بدی نموده، و بخشش به کسی که تو را محروم ساخته است. و همانا در نهاد دشمنی و کینه توزی بریدن و چیدن نهفته است، منظورم بریدن مو نیست بلکه بریدن دین است.

۲- عفو(شخصی)ازقاتل یهودی(دشمن ذاتی مسلمان)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ أُنِّي بِالْيَهُودِيَّةِ الَّتِي سَمَّتِ الشَّاهَ لِلنَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهَا مَا حَمَلَكَ عَلَيَّ مَا صَنَعْتَ فَقَالَتْ قُلْتُ إِنَّ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّهُ وَإِنْ كَانَ مَلِكًا أَرْحَتُ النَّاسَ مِنْهُ قَالَ فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْهَا اصول الكافي ۲: ۱۰۸.

از امام باقر علیه السلام نقل است فرمود پیرزن یهودیه ای که به پیامبر سم خوراند رازد ایشان آوردند حضرت به او فرمودند چه چیز باعث این کار تو شد او گفت من پیش خود گفتم اگر او(واقعاً) پیامبر است این سم به او ضرری نمی رساند و اگر پادشاه است(دنبال موقعیت دنیوی است) مردم از او راحت میشوند. پس پیامبر(لطف فرمود) او را بخشید

۳- هرگز انتقام نگرفتن در امور شخصی

و جاء في الآثار: أن رسول الله صلى الله عليه وآله لم ينتقم لنفسه من أحد قط، بل كان يعفو و يصفح. رواه في المستدرک ج ۲

ص ۸۷

در اخبار آمده: رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ گاه برای خود از کسی انتقام نگرفت، بلکه آزار دهندگان را می بخشید و از آنان گذشت می فرمود.

كان صلى الله عليه وسلم أعظم الناس عفواً، لا ينتقم لنفسه. پیامبر خدا ص در آقایی و گذشت سرآمد مردم بود و انتقام شخصی از کسی نمیگرفت

۴- شبیه ترین اخلاق به اخلاق نبی اکرم ص

و قال ص: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِ النَّاسِ بِي خُلُقًا قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ص مَنْ اجْتَمَعَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ مِنْ كَانَ أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا وَ أَعْظَمَكُمْ حِلْمًا وَ أَبْرَكُمْ بَقَرَاتِهِ وَ أَشَدَّكُمْ حُبًّا لِإِخْوَانِهِ فِي دِينِهِ وَ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَكْظَمَكُمْ الْغَيْظَ وَ أَحْسَنَكُمْ عَفْوًا وَ أَشَدَّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا مَعْدِنِ الْجَوَاهِرِ وَ رِيَاضَةَ الْخَوَاطِرِ، ص: ۶۲

و: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود آیا خبر دهم شما را بآن که شبیه ترین شما است بمن گفتند بلی یا رسول الله فرمود آن کسی که دارای هشت خصلت باشد هر که از شما خلقش نیکوتر حلمش بزرگتر بخوبیشان خود نیکوکننده تر با برادران دینی خود مهربان تر صبرش بر حق بیشتر کظم غیظش بیشتر و عفوکننده تر و با انصاف تر است

۵- عفو سفارش خدای تعالی به پیامبر ص

و قال ص أَوْصَانِي رَبِّي بِتَسْعِ أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَ أُعْطِيَ مِنْ حَرَمِنِي وَ أُصِلَ مِنْ قَطْعِنِي وَ أَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا وَ مَنْطِقِي ذِكْرًا وَ نَظْرِي عَبْرًا «۱». تحف العقول،

النص، ص: ۳۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود آیا پروردگرم مرا به نه چیز توصیه کرده: اخلاص در نهان و عیان، عدالت در حال آرامش و غضب، میانه‌روی در فقر و غنا، عفو از آنکه بر من ستم کرده و پیوند با آنکه از من بریده، فکر هنگام سکوت، ذکر در وقت گفتار و عبرت در حال نگاه.

«عن عبد الله بن الزبير في قوله، عز و جل: خذ العفو | قال: أمر نبي الله، صلى الله عليه و سلم، أن يأخذ العفو من أخلاق الناس.» عبد الله بن الزبير از پیامبر ﷺ روایت کرده که در ذیل آیه خذالعفو فرمودند منظور این است که عفوگذشت از اخلاق انبیاء قرار داده شود

۶- عفو از روی جوانمردی و مردانگی

وَقَالَ ﷺ مَرُوتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ إِعْطَاءُ مَنْ حَرَمْنَا. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۱۴۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود جوانمردی، مردانگی و مروت ما اهل بیت بخشیدن کسی که بما ستم نموده و عطا کردن بکسی که ما را محروم کند.

۷- بدی رابه خوب یا خوبترین، پاسخ می داد

و عن عائشة: لم يكن النبي صلى الله عليه و سلم فاحشا و لا متفحشا و لا سخابا بالأسواق، و لا يجزي بالسيئة السيئة. و لكن يعفو و يصفح.

پیامبر ﷺ بد زبان و بدگوی و پرحرف (جارکش بازار) نبود بدی رابه بدی کیفر نمی کرد و لکن بخشنده و پرگذشت بود

۸- عفو عمومی حتی از دشمنان کمر بسته (دروقت ضعف و نیاز آنان)

فَلَمَّا دَخَلَ ﷺ مَكَّةَ عَلَيْهِمْ عَنُوءٌ فَأَمَّ ﷺ خَطِيباً فَقَالَ ﷺ أَقُولُ كَمَا قَالَ أَخِي يُوسُفُ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ الْخَرَائِجُ وَ الْجَرَائِجُ، ج ۲، ص: ۸۸۵

در روز فتح مکه وقتی با پیروزی وارد شهر مکه شد حضرت ﷺ ایستاد و شروع به سخنرانی کرد و فرمود امروز من همانی که برادرم یوسف (وقتی برادران خطاکارش را دید) گفت رامیگو یم که «امروز هیچ نکوهشی برای شما نیست»

وَلَمَّا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ بِدُخُولِ مَكَّةَ بِالرَّأْيَةِ غَلَّظَ عَلَى الْقَوْمِ وَأَظْهَرَ مَا فِي نَفْسِهِ مِنَ الْحَنَقِ عَلَيْهِمْ وَ دَخَلَ وَ هُوَ يَقُولُ

الْيَوْمُ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ الْيَوْمُ تَسْبَى الْحَرَمَةَ

. فَسَمِعَهَا الْعَبَّاسُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ أَمَا تَسْمَعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَقُولُ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ إِنِّي لَا أَمَنُ أَنْ يَكُونَ لَهُ فِي قَرَيْشٍ صَوْلَةٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَدْرَكَ يَا عَلِيُّ سَعْدًا فَخَذَ الرَّأْيَةَ مِنْهُ وَ كُنْ أَنْتَ الَّذِي يَدْخُلُ بِهَا مَكَّةَ فَأَذْرَكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَأَخَذَهَا مِنْهُ الْإِرْشَادَ فِي مَعْرِفَةِ حَجَجِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ، ج ۱، ص: ۱۳۵

در هنگام ورود بمکه معظمه رسول خدا ﷺ به سعد بن عباده فرمان داد پیش از همه پرچم فتح و پیروزی را بدان شهرستان محترم وارد نماید سعد با خشونت داخل شده و کینه قدیمی را با این شعار ابراز میداشت «اليوم يوم الملحمة اليوم تسبي الحرمة» امروز روز قتل و اسیری است.

عباس عموی پیغمبر ﷺ هنگامی که این شعار را شنیده برسول خدا ﷺ عرض کرد میشنوید سعد چه میگوید من خیال میکنم این گونه شعار دادن موجب تلفاتی در قریش باشد.

رسول خدا ﷺ بعلی علیه السلام فرمود بزودی خود را به سعد رسانیده و پرچم را از او بگیر و تو خود با پرچم وارد مکه شو. علی علیه السلام حسب الامر با سعد ملاقات کرده پرچم را از او مطالبه نمود او هم بدون هیچ گونه امتناعی پرچم را بوی تسلیم نمود.

فوقف النبي ﷺ و ناداه يا أبا سفيان بل اليوم يوم الرحمة اليوم أعز الله قريشا بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۱، ص: ۱۰۹

در ادامه علامه مجلسی ره نقل میکند پیامبر ﷺ ایستادوندا سرداد ای ابوسفیان بلکه امروز روز مرحمت لطف و بخشش است امروز خدا قریش را عزیز و سربلند کرد

۳- حياء

۱- حياء و خجلتی با تاييد قرآن شريف

و كان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ النَّاسِ حَيَاءً وَأَكْثَرَهُمْ عَنِ الْعَوْرَاتِ إِغْضَاءً، قَالَ اللهُ تَعَالَى: إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ

پیامبر خدا ﷺ از همه مردم حياء و شرمساریش بیشتر و از عورتها پوشیدنیها از همه چشم پوشتر بود بود خدای تعالی هم در آیه ۵۳ احزاب میفرماید ؛ زیرا این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شما شرم می کند (و چیزی نمی گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم نمی کند.

۲- شرمی از روی بزرگی و بزرگواری

و روی عنه أنه كان في حيائه لا يثبت بصره في وجه أحد، وأنه كان يكتفي عن ما اضطره الكلام إليه مما يكره. و كان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ النَّاسِ حَيَاءً وَأَكْثَرَهُمْ عَنِ الْعَوْرَاتِ إِغْضَاءً، قَالَ اللهُ تَعَالَى: إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ
کلام علی فی صفته

از علی علیه السلام که آن حضرت، پیغمبر صلی الله علیه و آله را چنین توصیف می کرد: در صورت دیگران نگاه خود را ثابت نمیداشت (از روی حیا) و از چیزهای یا کارهایی که ناخوش داشت با کنایه از آنها سخنی آنهم در بسته و مختصر به میان می آورد دست و دل بازترین مردم، با جرات ترین و راستگوترین و وفاکننده ترین و نرمخوترین مردم بود، از نظر قوم و عشیره کریمتر و برتر بود

۳- حیائی از عمق جان

۳- عن أبي سعيد الخدري، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله أشدَّ حياء من العذراء في خدرها. و كان إذا كره شيئاً عرفناه في وجهه. المكارم ج ۱ ص ۱۷

ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و آله از دختران پرده نشین با حیا تر بود. و هر گاه چیزی را دوست نمی داشت از قیافه آن حضرت درمی یافتیم.

۴- عاقبت بی حیایی

عن أمير المؤمنين عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله إن الله حرم الجنة على كل فحاشٍ بذي قليل الحياء لا يبالي ما قال و لا ما قيل له كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج ۲، ص: ۹۵۶

سلیم از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بهشت را حرام کرده بر هر فحاش بدگفتار کم حیا که باکی ندارد چه می گوید یا چه به او گفته می شود.

۴- وفای به عهد و وعده

×

ليس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب و لكن البر من آمن بالله و اليوم الآخر و الملائكة و الكتاب و النبيين و آتى أموال على حبه ذوى القربى و الأيتامى و المساكين و ابن السبيل و السائلين و فى الرقاب و أقام الصلاة و آتى الزكاة و الموفون بعهدهم إذا عاهدوا و الصابرين فى البأساء و الضراء و حين البأس أولئك الذين صدقوا و أولئك هم المتقون (۲۰۰ | البقرة - ۱۷۷)

نیکی، این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق یا مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد؛) بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال خود را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر و سائلان و بردگان، انفاق می کند؛ و نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می کنند و در برابر سختی ها و زبان ها و هنگام جنگ، استقامت می ورزند؛ اینها کسانی هستند که راست می گویند؛ (و گفتار و کردارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها پرهیزگاراند

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ... (مائده - ۱) ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! ...

وَقَالَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَلَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَ... مشكاهُ الأنوار في غرر الأخبار، النص، ص: ۴۶

فرمود: هر که پیمان شکن است دین ندارد، و هر که امین نیست ایمان ندارد ...

۱- پایبندی شدید به وعده و حضور در وعده گاه

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي الْحَمْسَاءِ قَالَ كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ بَيْعٌ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ فَبَقِيَتْ لِي بَقِيَّةٌ فَوَعَدْتُهُ أَنْ آتِيَهُ فِي مَكَانِهِ وَنَسِيتُ يَوْمِي وَالْعَدَّ فَأَتَيْتُهُ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ وَكَانَ هُوَ فِي مَكَانِهِ يَنْتَظِرُنِي فَقُلْتُ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ أَنَا هَاهُنَا مُنْذُ ثَلَاثِ أَنتَظِرُكَ. ضَاهِي جَدِه إِسْمَاعِيلِ فَإِنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فَبَقِيَ فِي مَكَانِهِ سَنَةً فَشَكَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ ذَلِكَ فَقَالَ وَادُّكْرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

عبد الله بن ابی الحمساء می گوید: قبل از بعثت، بین من و محمد - صلی الله علیه و آله - داد و ستدی بود، مقداری طلبکار شدم به او گفتم: همین جا باش و من بر می گردم. آن روز و روز بعد، فراموش کردم که برگردم. پس در روز سوّم نزد او آمدم و دیدم که او همان جا منتظر من است. برای او جریان را گفتم (که فراموش کردم) فرمود: من سه روز است که اینجا منتظر شما هستم، مانند جدش حضرت اسماعیل که وقتی در جایی به مردی وعده داد، یک سال در آنجا منتظر ماند، خدای متعال بخاطر این عمل، از او قدردانی می کند و می فرماید: «و یاد کن در کتاب خود، اسماعیل را که راست و استوار در وعده و فرستاده و پیامبر بود»

في المكارم: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله واعد رجلا إلى الصخرة فقال: انا لك هنا حتى تأتي، قال: فاشتدت الشمس عليه. فقال له أصحابه: يا رسول الله، لو أنك تحوّلت إلى الظلّ. قال: واعدته ههنا وإن لم يجيء كان منه الحشر. مكارم الأخلاق، ص: ۲۴

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردی وعده نهاد که در کنار فلان صخره در انتظار او بماند تا بیاید. پیامبر در آنجا ماند و شدت گرمی آفتاب در آن مکان حضرت را رنج می داد، یارانش گفتند: یا رسول الله، خوب است زیر سایه بروی! فرمود: من در اینجا با او وعده نهاده ام، و اگر نیامد خلف وعده از او خواهد بود.

۲- پرداخت امانتهای ناچیز و کم ارزش

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أدوا الأمانة، فإن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يؤدّي الخيط والمخيط. امام صادق علیه السلام فرمود: امانت را به صاحبش بازگردانید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی نخ و سوزنی را که به او سپرده بودند به صاحبش باز می گرداند.

۳- پرداخت امانت حتی به صاحبان فاجرو بدکارش

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عزّ وجلّ لم يبعث نبياً إلّا بصديقٍ أو أمانةٍ إلى التبرّ و الفاجر. الكافي (ط) - الإسلامية، ج ۲، ص: ۱۰۴

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و ادای امانت به صاحبش، نیکوکار باشد یا بدکار.

۴- جوانمردی در وعده

وَ كَانَ النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ ﷺ فِي صَبَاةٍ يَخْرُجُ بَعْنَمٍ لَهُ إِلَى الصَّخْرَاءِ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الرُّعَاةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي وَجَدْتُ فِي مَوْضِعٍ كَذَا مَرْعَى خَصِيْبًا فَقَالَ ﷺ نَخْرُجُ عَدَا إِلَيْهِ فَبَكَرَ ﷺ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَأَبْطَأَ الرَّجُلُ فِي الْوُصُولِ فَرَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ مَنَعَ غَنَمَهُ أَنْ تَرَعَى مِنْ ذَلِكَ الْمَرْعَى حَتَّى يَصِلَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَيَرَعِيَا مَعَا الْخَرَائِجَ وَ الْجَرَائِحَ، ج ۲، ص: ۹۰۷

پیامبر- صلی الله علیه و آله- در نوجوانی هر روز صبح با گوسفندان به بیابان می‌رفت. یکی از چوپانها به او گفت: ای محمد! من در فلان جا چراگاه سرسبزی یافته‌ام، حضرت به او فرمود: فردا با هم به آن جا می‌رویم. روز بعد صبح زود پیامبر- صلی الله علیه و آله- از خانه حرکت کرد و به آن چراگاه رسید، آن مرد چوپان دیر کرد، وقتی که رسید دید پیامبر- صلی الله علیه و آله- مانع از چریدن گوسفندان در آن چراگاه شده است تا او برسد و با هم بچرانند.

و شکی نیست که همه پیامبران و امت‌های آنان در روز قیامت زیر پرچم پیامبر ما حضرت محمد- صلی الله علیه و آله- هستند، بنا بر آنچه روایت شده است.

۵- پایبندی به پیمان نامه «حلف الفضول».

پیامبر فرموده است: «شهدت فی دار عبد الله بن جدعان حلفا لو دعیت الی مثله فی الاسلام لأجبت»

مقصود حلف الفضول است یعنی: در خانه عبد الله بن جدعان پیمان نامه‌ای را شاهد و گواه بودم که اگر در اسلام هم برای پیوستن به چنان پیمان نامه‌ای دعوت شوم اجابت می‌کنم.

حلف الفضول پیمان نامه‌ای بوده برای یاری مستضعفین و مبارزه با ستم و ظلم و چون امری انسانی است پیامبر آنرا در قبل از اسلام و بعد از اسلام محترم می‌شمارد که از همین حدیث، شخصیت والای حمایتگر پیامبر صلی الله علیه و آله را از محرومین بخوبی درمی‌یابیم، علت نامیدن- حلف الفضول- به این جهت بوده که سه نفر به نام، ۱- فضل بن حارث، ۲- فضل بن وداعة، ۳- فضیل بن فضالة، جمعا در آن شرکت داشتند و از نام این سه نفر گرفته شده (تهذیب اللغة ۱۲ / ۴۱).

پیمانشان این بود که: «لنکونن مع المظلوم حتی یؤدی الیه حقه و فی التاسی فی المعاش» که بنی هاشم و قبائل زهره و تیم پایه‌گذار آن بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله هم همپیمانان بود یعنی بایستی ما همراه مظلوم باشیم تا حقش را به او برگردانیم و در معیشت با او مواسات داشته باشیم (الطبقات الكبرى ۱ / ۱۲۹ و النهایه ۳ / ۴۵۳ ابن اثیر)

۵- جود و بخشیدن

۱- بالاتراز بخشش، ایثار و از خود گذشتگی

كان صَلَّى اللهُ عليه و آله أسخى النَّاسِ لا يبيت عنده دينار، و لا درهم و إن فضل شيء و لم يجد من يعطيه و فجاء اللَّيْل، لم يأوِ إلى منزله حتّى يتبرأ منه إلى من يحتاج إليه، لا يأخذ ممّا آتاه اللهُ إلّا قوت عامه فقط من أيسر ما يجد من التمر و الشعير. و يضع ساير ذلك في سبيل الله، لا يسأل شيئاً إلّا أعطاه، ثمّ يعود إلى قوت عامه، فيؤثر منه، حتّى أنّه ربّما احتاج قبل انقضاء العام، ان لم يأتيه شيء..... ج ۲ ص ۳۵۴ و ۳۶۰ و روى أكثر هذه المعاني في المناقب ج ۱ ص ۱۴۵

رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله بخشنده ترین مردم بود، هرگز شئی نمی گذشت که درهم و دیناری نزد او بماند، و اگر چیزی زیاد می آمد و تا شب کسی را نمی یافت که به او ببخشد، به خانه نمی رفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیش کرده بود بیش از آذوقه همان سال بر نمی داشت، آن هم از میسورترین چیزی که می یافت از خرما و جو، و بقیه را در راه خدا مصرف می کرد. هر چه از او می خواستند عطا می کرد، آنگاه سراغ آذوقه سال خود می رفت و از آن هم ایثار می نمود، و بسا پیش از تمام شدن سال اگر چیزی به دستش نمی رسید خودش نیازمند آذوقه می شد

۲- صدقه تا بالاترین حد

في المحاسن: في وصية النبي صَلَّى اللهُ عليه و آله لعلي عليه السلام - إلى أن قال: - و السادسة: الأخذ بسنتي في صلاتي و صيامي و صدقتي - إلى أن قال: - و أما الصدقة فجهدك حتّى تقول: قد اسرفت. ص ۱۳ و في الكافي ج ۸ ص ۷۹ و في الفقيه ۵۲۳ و في مجموعة الورام ج ۲ ص ۵۰ و في الروضة ص ۳۹۳

. در وصیت رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله به علی علیه السلام آمده است: ششم آنکه در نماز و روزه و صدقه از سنت من پیروی کنی ... و اما راجع به صدقه، به قدری در آن کوشا باشی که گمان کنی در صرف مال برای صدقه اسراف کرده ای.

۳- در غنی و ثروت (دارایی و نداری) ابدافقیری راردنکرد

و في الكافي: مسندا، عن زيد الشّحام، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال: ما منع رسول الله صَلَّى اللهُ عليه و آله سائلا قطّ: ان كان عنده أعطى، و إلّا قال: يأتي الله به. كافي ج ۴ ص ۱۵ و رواه العياشي في تفسيره. المستدرک ج ۱ ص ۵۲۸.

أقول: و هذا المعنى مستفيض: بل متواتر في اخبار الخاصّة و العامّة. و قد مرّ بعض الأخبار فيه في العشرة و غيره. امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه و آله هیچ گاه سائلی را از خود نراند، اگر چیزی داشت به او می داد، و اگر نداشت می فرمود: خدا برساند.

مؤلف: این مطلب در اخبار شیعه و سنی به قدری زیاد نقل شده که شاید به حد تواتر رسیده باشد. ما بعض از آن روایات را در باب دوم (آداب معاشرت) و غیر آن ذکر کردیم.

۴- بخششی ادامه دار و سریع

و في كشف الغمة: أنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَجُودَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْهَابَةِ، يُعْطَى فَلَائِحًا وَيَمْنَحُ فَلَائِمًا. ج ١ ص ١٠.
روایت است که جود و بخشش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در خیر از همه مردم بیشتر و از تندباد سریع تر بود. بذل و عطایش ادامه داشت و بخلی از او نمودار نمی شد و ممانعتی سر نمی زد.

فی المکارم: عن أبي عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لست أدع ركوب الحمار مؤكفاً، و الأكل على الحصير مع العبيد، و مناولة السائل بيدي. ج ١ ص ٢٤ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ٨، ص: ٢٦٩

نیز از آن حضرت عليه السلام گوید: پیغمبر صلى الله عليه وآله می فرمود: من سواری الاغ بی جهازو خوردن غذا را روی حصیر با بندگان و بخشش پیغمبران را بدست خودم رها نخواهم کرد.

٥- هرگز و ابدا هیچ سائل و درخواست کننده ای را رد نمی کرد

و في عدة الداعي: قال عليه السلام: إنا لنعطي غير المستحق حذرا من رد المستحق. ص ٩١
علی علیه السلام فرمود: ما اهل بیت، کسانی را که به نظر می رسد غیر مستحق هستند رد نمی کنیم از ترس اینکه مبدا مستحق واقعی را رد کرده باشیم.

٦- نظر بلندی

و في مجمع البحرين: كان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَقْرِضُ الدَّرَاهِمَ الْفَسُولَةَ - اى الرزيلة - و يرد الجياد. ص ٤٤٧
پیامبر درهمهای پست قرض می گرفت و درهمهای خوب (بجای آنها) برمیگرداند

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَكُونُ عَلَيْهِ الثَّنَى فَيُعْطَى الرَّبَاعَ كَافِي ج ٥ ص ٢٥٤ و قرب الاسناد ص ٤٤

امام صادق علیه السلام فرمود: روش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آن بود که اگر بچه شتر دو ساله ای مقروض بود، به جای آن شتر هفت ساله می داد (یا اگر دو درهم مقروض بود چهار درهم می پرداخت).

٧- بخشنده ترین مردم روی زمین

و في عوارف المعارف: قال جبرئيل عليه السلام: ما في الأرض أهل عشيرة من أبيات آلا قلبتهم، فما وجدت أحدا أشد انفاقا لهذا المال من رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ص ٦٨

نقل است که جبرئیل علیه السلام گفت: در روی زمین خانواده ای نماند جز اینکه آنها را زیر و رو و بررسی نمودم و کسی را بخشنده تر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و آله نسبت به مال دنیا نیافتم.

۸- باروی باز باسائل روبروشدن

و فی الجعفریات: باسناده عن علی بن الحسین، عن أبیه، عن علی علیهم السّلام قال: کان رسول الله صلّی الله علیه و آله إذا أتاه السائل، قال: لاعلة، لاعلة. الحديث ص ۵۷ ۶۹)

علی علیه السّلام فرمود: هر گاه سائلی نزد رسول خدا صلّی الله علیه و آله می آمد [و درخواستی می کرد] آن حضرت می فرمود: مانعی نیست، مانعی نیست ...

۹- هرگز به هیچ سائلی نه نگفت

و فی عوارف المعارف: عن جابر، قال: ما سئل النبی صلّی الله علیه و آله شیئا قط فقال: لا. قال ابن عتیبه: إذا لم یکن عنده وعده. ص ۲۶۲.

جابر گوید: هرگز نشد که چیزی از رسول خدا صلّی الله علیه و آله درخواست شود و آن حضرت «نه» بگوید. ابن عتیبه گوید: اگر چیزی حاضر نداشت وعده آن را می داد.

۱۰- نمونه ای از ایثار حضرت در واردین به او

کان صلّی الله علیه و آله یؤثر الدّاخل علیه بالوسادة الّتی تحته، فان أبی أن یقبلها عزم علیه حتّی یفعل. ج ۲ ص ۳۶۲

هر گاه کسی بر آن حضرت وارد می شد حضرت تشکچه اش را به او می داد، و اگر شخص تازه وارد نمی خواست قبول کند او را سوگند می داد تا بپذیرد

۱۱- انفاقهای فراوان در وقتهای مخصوص

و فیهِ: و کان صلّی الله علیه و آله فی شهر رمضان کالرّیح المرسله، لا یمسک شیئا. ج ۳ ص ۳۷۹

رسول خدا صلّی الله علیه و آله در ماه مبارک رمضان مانند باد تند و سریع بود که چیزی در دستش قرار نمی گرفت و هر چه داشت انفاق می کرد.

۱۲- امر حقتعالی به میانه روی در برابر انفاق و انفاقهای زیاد و عجیب او

فی الکافی: مسندا، عن عجلان، قال: کنت عند أبی عبد الله علیه السّلام فجاء سائل، فقام إلی مکتل فیهِ تمر فملاء یده فناوله، ثمّ جاء آخر فسأله. فقام فأخذ بیده فناوله،

ثم جاء آخر فسأله. فقام فأخذ بيده فناوله. ثم جاء آخر، فقال: الله رازقنا وإياك. ثم قال: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان لا يسأله أحد من الدنيا شيئاً إلا أعطاه فارسلت إليه امرأة ابنها فقالت: انطلق إليه صلى الله عليه وآله فاسأله فان قال: ليس عندنا شيء، فقل: أعطني قميصك، قال: فأخذ قميصه فرمى به - و في نسخة اخرى فأعطاه -
فأدبه الله على القصد فقال: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا». ج ٢ ص ٥٥-٥٦
و بقیه فی تفسیر العیاشی ج ٢ ص ٢٨٩ و قریباً منه فی تحف العقول ص ٣٥١.

عجلان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که سائلی آمد، امام برخاست و از سبیدی که در آن خرما بود دست خود را پر کرد و به سائل داد.

سائلی دیگر آمد، امام دوباره برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. سائل سومی آمد، باز برخاست و مشتی خرما برداشت و به او داد. بار چهارم سائل دیگر آمد، امام فرمود خداوند روزی رسان ما و شماست! سپس فرمود: کسی از رسول خدا صلى الله عليه وآله چیزی از دنیا نمی‌خواست مگر اینکه عطا می‌فرمود، تا آنکه زنی پسر خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او گفت: نزد حضرت برو و از او چیزی بخواه، اگر فرمود: فعلاً چیزی نداریم، بگو: پیراهن خود را به من بده. امام فرمود: آن حضرت پیراهن خویش را در آورد و نزد پسر افکند (و به او عطا فرمود).

آن‌گاه خداوند آن حضرت را به میانه‌روی ادب فرمود و این آیه را فرستاد: و لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك «دست خود را به گردنت مبنده (بخل مورز) و نیز به طور کلی باز مکن (هر چه داری مده) که در غیر این صورت ملول و دلتنگ خواهی نشست».

١٣- هرگز «نه» در کلامش نبود

و في البحار: عن دعوات الراوندي، عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا سئل شيئاً، فإذا أراد أن يفعل قال: نعم، وإذا أراد أن لا يفعل سكت. و كان لا يقول لشيء: لا. ج ٩٣ ص ٣٢٧
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: چون چیزی از رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌خواستند، اگر قصد انجام آن را داشت جواب مثبت می‌داد، و اگر قصد انجام آن را نداشت سکوت می‌کرد و کلمه «نه» بر زبان جاری نمی‌ساخت.

١٤- بخشنده ترین مردم

عن موسى بن جعفر عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: إن أبخل الناس من بخل بالسلام و أجود الناس من جاد بنفسه و ماله في سبيل الله. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧٣، ص: ١٢

از موسی بن جعفر عليه السلام نقل است که پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود: بخیل تر مردم آنکه از سلام دریغ کند، و بخشنده تر مردم که در راه خدا جان و مال نثار کند.

۶- رضا و غضب

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۰۰۳ | آل عمران - ۱۳۴)

(همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از (خطای) مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد

..... وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۰۴۲ | شوری - ۳۷).....، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می کنند.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۰۰۳ | آل عمران - ۱۳۴)

(همان) کسانی که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از (خطای) مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد

۱- دیرتر از همه غضبناک و زودتر از همه راضی می شد

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْأَفَ النَّاسِ بِالنَّاسِ، وَخَيْرَ النَّاسِ لِلنَّاسِ، وَأَنْفَعَهُ النَّاسِ لِلنَّاسِ أَحْيَاءَ غَزَالِي
ج ۲ ص ۲۶۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه کس دیرتر به خشم می آمد و زودتر خشنود می شد. وی مهربانترین و خیرخواهترین و سودمندترین کس برای مردم بود.

۲- خشمی جدی فقط برای خدا

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَرَّ وَرَضِيَ فَهُوَ أَحْسَنُ النَّاسِ رَضِيًّا، فَإِنْ وَعَظَ، وَعَظَ بِجِدَّةٍ، وَإِنْ غَضِبَ وَ لَا يَغْضَبُ إِلَّا لِلَّهِ، لَمْ يَقَمْ لَغَضْبِهِ شَيْءٌ - كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَكَذَلِكَ كَانَ فِي أُمُورِهِ كُلِّهَا، وَكَانَ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْأَمْرُ فَوَضَّ الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ وَ تَبَرَّءَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ، وَ اسْتَنْزَلَ الْهَدْيَ. ج ۲ ص ۳۶۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خوشحال و خشنود می شد خشنودیش از همه کس نیکوتر بود. در پند و موعظه جدی بود. هنگام خشم - که جز برای خدا خشم نمی گرفت - چیزی تاب مقاومت در برابر خشم او را نداشت. آن حضرت در همه کارهایش این چنین جدی بود. چون مصیبتی به او می رسید کارش را به خداوند واگذار می کرد و از حول و قوت خویش بیزار می جست و از خداوند راه چاره طلب می کرد.

۳- گذشت در رضا و غضب

و فی الکافی: عن اَبی عبد اللّٰه علیه السّلام قال: قال النّبیّ صلّی اللّٰه علیه و آله: اَلَا اُخْبِرْکُمْ بِاَسْبِیْهِکُمْ بَی؟ قالوا: بلی، یا رسول اللّٰه. قال: اَحْسَنْکُمْ خَلْقًا، و الیْنِکُمْ کَنْفًا و اَبْرَکُمْ بِقَرَابَتِهِ و اَشْدَّکُمْ حَبًّا لِاِخْوَانِهِ فِی دِیْنِهِ و اَصْبِرْکُمْ عَلَی الْحَقِّ، و اَکْظَمْکُمْ لِلْغِیْظِ، و اَحْسَنْکُمْ عَفْوًا و اَشْدَّکُمْ مِنْ نَفْسِهِ اِنْصَافًا فِی الرِّضَا و الْغَضَبِ. ج ۲ ص ۲۴۱ و فِی الْمِکَارِمِ ج ۲ ص ۵۱۷ و اِمَالِی الصِّدُوقِ ص ۲۷۰ و تحف العقول ص ۴۸.

امام صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله فرمودند: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: چرا، ای رسول خدا. فرمود: کسی که خلقش نیکوتر، و برخوردش با مردم ملایم‌تر، و با خویشانش نیکوکارتر باشد، و برادران دینیش را بیش از همه دوست داشته، و بر حق صبورتر، و خشم خود را فروخورنده‌تر، و گذشتش از همه بهتر، و در حال خشنودی و خشم از همه باانصاف‌تر باشد.

۴- نشانی از رضا و خشنودی در چهره

و فی مکارم الأخلاق: عن ابن عمر، قال: کان رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیه و آله، یعرف رضاه و سخطه فی وجهه: کان إذا رضی فکأنما یلاحک الجدر وجهه. و إذا غضب لونه أسود ج ۱ ص ۱۸

عبد اللّٰه بن عمر گوید: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله چنان بود که خشنودی و خشم از چهره‌اش شناخته می‌شد. به هنگامی که خشنود می‌شد چهره‌اش چون آینه می‌درخشید به حدی که می‌توان گفت نقش دیوار در چهره‌اش می‌افتاد. و چون خشم می‌گرفت رنگ مبارکش گرفته و تیره می‌گشت.

و عن الغزالی فی الاحیاء: و کان صلّی اللّٰه علیه و آله، إذا اشتدّ وجده أكثر من مس لحيته الکریمه. ج ۲ ص ۳۷۸. ۴۵. غزالی گوید: رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله هنگامی که خیلی خوشحال می‌شد محاسن خویش را زیاد دست می‌کشید.

عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا سَرَّهُ الْأَمْرُ اسْتَنَارَ وَجْهُهُ كَأَنَّهُ دَارَةُ الْقَمَرِ بِحَارِ الْأَنْوَارِ الْجَامِعَةِ لَدَرِّرِ أَخْبَارِ الْأُمَّةِ الْأَطْهَارِ، ج ۱۶، ص: ۲۳۳

از کعب بن مالک: پیغمبر ﷺ وقتی چیزی مسرورش میساخت صورتش باز و روشن میشد چنان که گوئی قرص ماه است

: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ يَقُولُ شَهِدْتُ مِنَ الْمَقْدَادِ مَشْهُدًا لَأَنَّ أَكُونَ أَنَا صَاحِبَهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا غَضِبَ احْمَرَّ وَجْهُهُ

از عبد اللّٰه بن مسعود: از مقدار چیزی شنیدم که اگر من آن را می‌داشتم برایم از آنچه در زمین است بهتر بود! مقدار گفت پیغمبر اکرم (ص) هر گاه در غضب میشد چهره‌اش سرخ می‌گشت.

و فی مکارم الأخلاق: عن ابن عمر، قال: کان رسول اللّٰه صلّی اللّٰه علیه و آله، یعرف رضاه و سخطه فی وجهه: کان إذا رضی فکأنما یلاحک الجدر وجهه. و إذا غضب لونه أسود مکارم الأخلاق، ص: ۱۹

عبد الله بن عمر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که خشنودی و خشم از چهره‌اش شناخته می‌شد. به هنگامی که خشنود می‌شد چهره‌اش چون آینه می‌درخشید به حدی که می‌توان گفت نقش دیوار در چهره‌اش می‌افتاد. و چون خشم می‌گرفت رنگ مبارکش گرفته و تیره می‌گشت.

۵- عفو و گذشت همراه با اخلاقی‌های زیبا

و كان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْخَى النَّاسِ لَا يَبِيتُ عِنْدَهُ دِينَارٌ، وَ لَا دِرْهَمٌ وَ إِن فَضَلَ شَيْءٌ وَ لَمْ يَجِدْ مَنْ يُعْطِيهِ وَ فَجَاءَ اللَّيْلَ، لَمْ يَأُوْ إِلَى مَنْزِلِهِ حَتَّى يَتَبَرَّأَ مِنْهُ إِلَى مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، لَا يَأْخُذُ مِمَّا آتَاهُ اللهُ إِلَّا قَوْتَ عَامِهِ فَقَطْ مِنْ أَيْسَرِ مَا يَجِدُ مِنَ التَّمْرِ وَ الشَّعِيرِ. وَ يَضَعُ سَائِرَ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللهِ، لَا يَسْأَلُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ، ثُمَّ يَعُودُ إِلَى قَوْتِ عَامِهِ، فَيُؤَثِّرُ مِنْهُ، حَتَّى أَنَّهُ رَبَّمَا احتاج قبل انقضاء العام، ان لم يأتته شيء - إلى أن قال:

و ينفذ الحقّ و إنّ عاد ذلك عليه بالضرر، أو على أصحابه - إلى أن قال: و يمشي وحده بين أعدائه بلا حارس - إلى أن قال: - لا يهوله شيء من أمور الدنيا - إلى أن قال: - و يجالس الفقراء، و يواكل المساكين و يكرم أهل الفضل في أخلاقهم، و يتألف أهل الشرف بالبرّ لهم، يصل ذوى رحمه من غير أن يؤثرهم على من هو أفضل منهم، لا يجفو على أحد. يقبل معذرة المعتذر إليه - إلى أن قال:

- و كان له عبيد و اماء من غير أن يرتفع عليهم في مأكل و لا ملبس و لا يمضي له وقت في غير عمل الله تعالى، أو لما لا بدّ منه، من صلاح نفسه. يخرج إلى بساتين أصحابه، لا يحتقر مسكينا لفقره، او زمانته، و لا يهاب ملكا لملكه، يدعو هذا و هذا إلى الله دعاء مستويا. ج ۲ ص ۳۵۴ و ۳۶۰

و نیز گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشنده‌ترین مردم بود، هرگز شبی نمی‌گذشت که درهم و دیناری نزد او بماند، و اگر چیزی زیاد می‌آمد و تا شب کسی را نمی‌یافت که به او ببخشد، به خانه نمی‌رفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیش کرده بود بیش از آذوقه همان سال بر نمی‌داشت، آن هم از میسورترین چیزی که می‌یافت از خرما و جو، و بقیه را در راه خدا مصرف می‌کرد. هر چه از او می‌خواستند عطا می‌کرد، آنگاه سراغ آذوقه سال خود می‌رفت و از آن هم ایثار می‌نمود، و بسا پیش از تمام شدن سال اگر چیزی به دستش نمی‌رسید خودش نیازمند آذوقه می‌شد ...

حق را جاری می‌کرد گرچه برای او یا برای یارانش زیان داشته باشد ... در میان دشمنان بدون نگهبان آمد و شد می‌کرد ... هرگز چیزی از امور دنیا او را به ترس و وحشت نمی‌افکند ... با فقرا می‌نشست و با تهیدستان هم غذا می‌شد. اهل فضل را به خاطر اخلاقتان احترام می‌کرد، و با نیکی کردن به اشخاص آبرومند با آنان خو می‌گرفت. با خویشانش پیوند و رفت و آمد داشت بدون آنکه آنان را بر کسانی که از آنان برتر بودند، مقدم بدارد. به هیچ کس ستم نمی‌کرد، و پوزش عذر خواهان را می‌پذیرفت ...

آن حضرت غلامان و کنیزانی داشت ولی در خوراک و پوشاک بر آنان برتری نداشت. ساعتی از وقت او در غیر بندگی خدا و غیر کار لازمی که صلاح او در آن بود نمی‌گذشت. گاه به باغ و بستان یاران خود سر می‌زد. هیچ گاه مسکینی را به خاطر تهیدستی یا بیماریش کوچک نمی‌شمرد، و از هیچ پادشاهی به خاطر ملک و سلطنتش نمی‌ترسید. فقیر و پادشاه را یکسان به سوی خدا دعوت می‌فرمود.

۶- در حال خشنودی و خشم فقط حق گفتن

و كان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الرِّضَا وَ الغضب لا يقول إِلَّا حقًا. المستدرک ج ۱ ص ۵۳۸. در حال خشنودی و خشم جز به حق سخن نمی‌گفت.

قال الصادق عليه السلام: «انهزم الناس عن رسول الله ﷺ فغضب غضبا شديدا، و كان إذا غضب انحدر من وجهه و جبتيه مثل اللؤلؤ من العرق، فنظر فإذا عليّ عليه السلام إلى جنبه، فقال: مالك لم تلحق ببني أبيك؟ فقال عليّ: يا رسول الله أكفر بعد إيمان! إن لي بك أسوء، فقال: أما لا فاكفني هؤلاء.»

حمل عليّ عليه السلام فضرب أول من لقي منهم، فقال جبرئيل: إن هذه لهي المواساة يا محمد. قال: إنه مني و أنا منه. قال: جبرئيل و أنا منكم (١) نحوه في: الكافي ٨: ١١٠ / ٩٠، الارشاد ١: ٨٥، مناقب ابن شهر آشوب ٣: ١٢٤، تاريخ الطبري ٢: ٥١٤، و نقله المجلسي في بحار الأنوار ٢٠: ٩٥ / ضمن حديث ٢٨.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: مردم در روز احد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله دور شدند و آن جناب را در میدان جنگ تنها گذاشتند، پیغمبر از این جریان فوق العاده خشمگین شد، و حضرت هنگامی که غضب میکرد عرق از چهره‌های مبارکش جاری میشد. در این هنگام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در میدان جنگ تنها مانده بودند، و تمام اصحاب و یاران او فرار کرده بودند؛ ناگهان متوجه شدند که علی بن ابی طالب علیه السلام در پهلوی وی ایستاده، پیغمبر ﷺ فرمود: یا علی! چرا مانند خویشاوندان پدری خود از میدان فرار نکردی؟! علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! آیا پس از اسلام کفر را اختیار کنم من به شما اقتداء کرده و از شما جدا نخواهم شد. حضرت فرمود: اینک مرا از دشمنان محافظت کن.

علی علیه السلام بطرف مشرکین حمله کرد و یکی از آنها را از پا در آورد، در این هنگام جبرئیل گفت: یا محمد مواساة این است، حضرت رسول فرمود: او از من است و من از او، جبرئیل گفت: من هم از شما هستم.

٧- محبوب‌ترین جرعه‌ها در نزد خداوند متعال

و عَنْهُ ﷺ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ جُرْعَةٍ غَيْظٍ كَظَمَهَا رَجُلٌ أَوْ جُرْعَةٍ صَبْرٍ عَلَى مُصِيبَةٍ وَ مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ قَطْرَةٍ دَمَعَتْ مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ أَوْ قَطْرَةٍ دَمَ أَهْرَقَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ٧٩، ص: ١٣٨ مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد، ص: ٤٣

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «هیچ جرعه‌ای از جرعه خشمی که انسان آن را فرو نشاند یا جرعه صبر بر مصیبتی در نزد خداوند متعال محبوب‌تر نیست. و نیز هیچ قطره‌ای در نزد خداوند متعال از قطره اشکی که از خشیت خدا جاری شود، و یا قطره خونی که در راه خدا ریخته شود محبوب‌تر نیست.»

٨- سپاس زبانی در وقت رضا و نعمت

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ قَالَ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى مَا يُحِبُّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ

از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب پیغمبر ﷺ وقتی چیزی را میدید که دوست داشت میگفت حمد خداوندی راست که خوبیه‌ها از نعمتهای او بکمال رسیده.

٩- انصاف در غضب و رضا

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَسْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ
أَعْظَمُكُمْ حِلْمًا وَ أَبْرُكُمُ بَقَرَاتِهِ وَ أَشَدُّكُمْ بِحَبْنًا وَ لِأَخْوَانِهِ فِي دِينِهِ - وَ أَصْبِرُكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ أَكْظَمُكُمْ لِلْغَيْظِ وَ أَحْسَنُكُمْ
عَفْوًا وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النص، ص: ٢٣٨

امام باقر علیه السلام فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان بیشتر به من شباهت دارید؟ گفتند: چراه ای رسول خدا. فرمود: کسی که خلقش نیکوتر، و برخوردش با مردم ملایم‌تر، و با خویشانش نیکوکارتر باشد، و برادران دینیش را بیش از همه دوست داشته، و بر حق صبورتر، و خشم خود را فروخورنده‌تر، و گذشتش از همه بهتر، و در حال خشنودی و خشم از همه بانصاف‌تر باشد.

۱۰- غضب کنترل شده آنهم نه در امور شخصی

كَانَ ص أَبْعَدَ النَّاسِ غَضْبًا وَ اسْرِعَهُمْ رِضًا، وَ كَانَ أَرْأَفَ النَّاسِ بِالنَّاسِ، وَ خَيْرَ النَّاسِ لِلنَّاسِ. وَ أَنْفَعَ النَّاسِ
لِلنَّاسِ. وَ يَغْضِبُ لِرَبِّهِ، وَ لَا يَغْضِبُ لِنَفْسِهِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه کس دیرتر به خشم می‌آمد و زودتر خشنود می‌شد. وی مهربانترین و خیرخواه‌ترین و سودمندترین کس برای مردم بود. فقط برای خدا خشم می‌گرفت اما برای خویش خشم نمی‌گرفت.

روایت است رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه خوشحال و خشنود می‌شد خشنودیش از همه کس نیکوتر بود. در پند و موعظه جدی بود. هنگام خشم- که جز برای خدا خشم نمی‌گرفت- چیزی تاب مقاومت در برابر خشم او را نداشت. آن حضرت در همه کارهایش این چنین جدی بود. چون مصیبتی به او می‌رسید کارش را به خداوند واگذار می‌کرد و از حول و قوت خویش بی‌زاری می‌جست و از خداوند راه چاره طلب می‌کرد.

هر کس را که بر او وارد می‌شد احترام می‌کرد و بسا لباس خود را زیر او می‌گسترد و شخص تازه وارد را بر خود ترجیح داده، بر تشکچه‌اش می‌نشاند. در حال خشنودی و خشم جز به حق سخن نمی‌گفت.

۷- صبر

وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (١٠٦ | نحل - ١٢٧)

شکیبایی کن، و شکیبایی تو فقط برای خدا (و به توفیق خدا) باشد؛ و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و (دل‌سرد) مشو؛ و از توطئه‌های آنها، در تنگنا قرار مگیر.

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (١٠٣ |

آل عمران - ١٤٦)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آنها (هیچ گاه) در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۰۰۸ | انفال - ۴۶)

و از خدا و پیامبرش اطاعت نمایید؛ و با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می شوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان می رود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است.

وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۰۱۱ | هود - ۱۱۵)

و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۰۰۳ | آل عمران - ۲۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها)، استقامت کنید؛ و در برابر دشمنان، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خدابپرهمیزید، شاید رستگار شوید!

۱- دستوره صبر و پایداری به آن و پاداش دنیوی علاوه بر اخروی بر آن

و فی الکافی: مسندا، عن حفص بن غیاث، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا حفص، إن من صبر صبر قليلا، و إن من جزع جزع قليلا. ثم قال: عليك بالصبر في جميع امورك، فإن الله عز و جل بعث محمدا صلى الله عليه و آله فأمره بالصبر و الرفق فقال: «وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ» سورة المزمّل: ۱۰ «وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ» و قال: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السِّيئَةِ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حُظٍّ عَظِيمٍ» فصلت: ۳۵.

فصبر على ما نالوه بالعظائم و رموه بها فضايق صدره فأنزل الله عليه: «وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» الحجر: ۹۷ و ۹۸. ثم كذبوه و رموه فحزن لذلك، فأنزل الله: «قَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُ لِيَحْزَنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بآياتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ. وَ لَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَ أَوْذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا» الانعام: ۳۳

. فالزم النبي صلى الله عليه و آله نفسه الصبر. فتعدوا، فذكر الله تبارك و تعالی فكذبوه، فقال صلى الله عليه و آله: قد صبرت في نفسي و أهلي، و عرضي. و لا صبر لي على ذكر الهی. فأنزل الله عز و جل: «فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ ق: ۳۸»، فصبر في جميع أحواله. ثم بشر في عترته بالائمه و وصفوا بالصبر فقال عز ثنائته: «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآياتِنَا يُوقِنُونَ» السجدة: ۲۶.

فعند ذلك قال النبي صلى الله عليه و آله: الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد. فشكر الله ذلك له فأنزل الله: «وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ مَا كَانُوا يَغْرُسُونَ» الاعراف: ۱۳۶، فقال صلى الله عليه و آله: إنه بشري و انتقام. فأباح الله له قتال المشركين، فأنزل الله: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خَدُّوهُمْ وَ احْضَرُوهُمْ وَ افْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ» فقتلهم الله على يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و أحبائه

و جعل له ثواب صبره مع ما ادخر له في الآخرة. فمن صبروا حتسب لم يخرج من الدنيا حتى يقر الله له عينه في أعدائه مع ما يدخر له في الآخرة. الاصول ج ۲ ص ۸۸.

امام صادق عليه السلام به حفص بن غياث فرمود: ای حفص، هر که صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی تابي کند اندکی بی تابي کرده است.

سپس فرمود: در همه کارهای صبر پیشه‌ساز، زیرا خدای بزرگ محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت و او را امر به صبر و مدارا نمود و فرمود:

«بر آنچه می‌گویند صبر کن و به طوری شایسته از آنان دوری گزین، و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر و مرفه واگذار»^۱، و نیز فرمود:

«بدی دیگران را با بهترین روش دور کن، تا آن که میان تو و او دشمنی است گویی دوست گرم و صمیمی است. و از این خصلت برخوردارند جز کسانی که صبر پیشه کنند و کسی که دارای بهره‌ای بزرگ [از اندیشه و خرد] است»

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم صبر نمود تا او را به چیزهای بزرگ متهم کردند. از این رو دلتنگ شد و خداوند این آیه را نازل نمود: «و ما به خوبی می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. پس به همراه ستایش پروردگارت تسبیح‌گوی و از سجده‌گزاران باش

باز هم او را تکذیب کردند و متهم نمودند و حضرت غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد: «ما به خوبی می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را غمگین می‌کند. اما آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را تکذیب می‌کنند. البته پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و بر تکذیب شدن صبر کردند، و آزارها دیدند تا آنکه یاری ما به آنان رسید

پس پیامبر صلی الله علیه و آله خود را به صبر ملزم ساخت، تا آنکه آنها پا را فراتر نهاده و نام خدا را بر زبان آورده، او را تکذیب نمودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در باره خودم و خاندان و آبرویم صبر کردم ولی در باره بدگفتن به معبودم صبر ندارم. آن‌گاه خداوند این آیه را نازل کرد:

«ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم و هیچ خستگی به ما نرسید، پس [تو هم خسته نشو و] بر آنچه می‌گویند صبر کن

پس پیامبر صلی الله علیه و آله در همه احوال صبر کرد تا او را به امامان از عترتش مژده دادند و آنان به داشتن صبر معرفی گردیدند. خداوند والامقام فرمود: «و از آنان پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت کنند، چون صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند اینجا بود که

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به بدن.» خداوند هم از صبر او قدردانی کرد و این آیه را نازل فرمود: «کلمه نیکوی پروردگارت [و وعده‌های نجات و پیروزی او] در باره بنی اسرائیل انجام یافت به پاداش صبری که کردند، و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و آنچه را برمی‌افراشتند واژگون نمودیم.»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این هم بشارت است و هم انتقام.» آن‌گاه خداوند پیکار با مشرکان را برای او روا دانست و این آیه را نازل کرد: «هر کجا مشرکان را یافتید بکشید و آنان را بگیرید و محاصره کنید و در هر کمینگاهی بر سر راهشان بنشینید. و هر کجا بر آنان دست یافتید بکشیدشان.»

پس خداوند آنان را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستانش به قتل رساند و پاداش صبر آن حضرت را به او عنایت فرمود، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره کرده است. پس هر که صبر کند و به حساب خدا گذارد، از دنیا بیرون نرود تا آنکه خداوند چشم او را در باره دشمنانش روشن کند، علاوه بر آنچه در آخرت برایش ذخیره خواهد نمود.

۲- هدایای بزرگ الهی و تفسیر صبر

و فی معانی الأخبار: فی حدیث مرفوع إلی النبی صلی الله علیه و آله قال: جاء جبرئیل علیه السلام فقال یا رسول الله: إن الله أرسلنی إلیک بهدیة، لم یعطها أحدا قبلك. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ما هی؟

قال: الصبر و أحسن منه، قال: و ما هو؟ قال: الرضا، و أحسن منه. قال: و ما هو؟ قال: الزهد و أحسن منه. قال: و ما هو؟ قال: الإخلاص و أحسن منه. قال: و ما هو؟ قال: البقین و أحسن منه. قال: قلت: ما هو یا جبرئیل؟ قال: إن مدرجة ذلك التوکل علی

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. فقلت: و ما التوكل على الله؟ قال: العلم بأن المخلوق لا يضر ولا ينفع، و لا يعطي و لا يمنع، و استعمال اليأس من الخلق، فاذا كان العبد كذلك، لا يعمل لأحد سوى الله، و لم يرج و لم يخف سوى الله و لم يطمع في أحد سوى الله، فهذا هو التوكل

قال: قلت يا جبرئيل: فما تفسير الصبر؟ قال: يصبر في الضراء كما يصبر في السراء. و في الفاقة كما يصبر في الغنى، و في البلاء كما يصبر في العافية، فلا يشكو حاله بما يصيبه من البلاء المعاني: ص ٢٦١ و روى هذا المعنى ابن فهد في عدة الداعي ص ٨٢٩.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام نزد او آمد و گفت: یا رسول الله، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده که چنین هدیه‌ای را پیش از شما به هیچ کس عطا نکرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر، و نیکوتر از صبر فرمود: آن چیست؟ گفت: رضا، و نیکوتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: زهد، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: اخلاص، و بهتر از آن. فرمود: آن چیست؟ گفت: دانستن آنکه مخلوق بدون خواست خدا نه زبانی تواند زد و نه سودی تواند رساند. نه می‌تواند عطا کند و نه منع نماید. و نیز نومید بودن از مخلوق. هر گاه بنده چنین باشد دیگر برای هیچ کس جز خدا عملی انجام نمی‌دهد و جز خدا به کسی امید نمی‌بندد و از کسی نمی‌ترسد و به هیچ کس جز خدا چشم طمع نمی‌دوزد؛ این است توکل. پیامبر صلی الله علیه و آله

فرمود: گفتم: ای جبرئیل، تفسیر صبر چیست؟ گفت: آن است که آدمی در سختی شکیبایی کند همان گونه که در شادی شکیبایی می‌کند، و در هنگام نیازمندی شکیبایی کند چنان که در وقت بی‌نیازی شکیبایی می‌کند، و در بلا و گرفتاری شکیبایی کند چنان که در عافیت و سلامتی شکیبایی می‌کند. بنا بر این از حال خود از بلایی که به او می‌رسد نزد کسی شکایت نکند.

٣- اختیار صبر بر اذیتهای شدید مخالفین در عین مستجاب الدعوه بودن

در روایتی در مقایسه بین انبیاء میفرماید..... و إن كان نوح على نبينا و عليه السلام أوتى إجابة الدعوة لما قال لا تذر علي الأرض من الكافرين ذياراً فلم يبق منهم باقية إلا المؤمنین

فقد أوتى محمد صلى الله عليه وآله مثله حين أنزل الله ملك الجبال و أمره بطاعته فيما يأمره به من إهلاك قومه فاختار صلى الله عليه وآله الصبر على أذاهم و الابتهاج في الدعاء لهم بالهداية بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ١٧، ص: ٢٥١

..... و اگر حضرت نوح - علیه السلام - مستجاب الدعوه بود، وقتی که نفرین نمود، عرض کرد: «خدا یا (اینک که قوم من دست از کفر و سرکشی بر نمی‌دارند) از آنان کسی را بر روی زمین باقی نگذار» که از آنان کسی باقی نماند مگر مؤمنان. به حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - نیز مانند آن داده شده است زمانی که خداوند فرشته کوهها را به سوی او فرستاد و به او دستور داد که هر چه محمد - صلی الله علیه و آله - امر کرد از نابود کردن قومش، اطاعت کند. ولی حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - در مقابل اذیت آنان صبر اختیار کرد و با گریه و زاری و تضرع از خداوند، هدایت آنان را درخواست نمود

وَ قَالَ صلى الله عليه وآله أَرْبَعَةٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صلى الله عليه وآله الْبِرُّ وَ السَّخَاءُ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ الْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ. تحف العقول، النص، ص: ٣٧٥

فرمود چهار چیز از اخلاق پیامبران است: نیکوکاری و سخاوتمندی و شکیبایی بر مصیبت و بپاخیزی برای انجام حق مؤمن.

۸- گریه و بکاء از خوف و خشیت الهی

وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْأُصَالِ وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (۰۰۷ | اعراف - ۲۰۵)

پروردگارت را در درون خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان مباش.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۰۳۵ | فاطر - ۲۸)

و و تنها از میان بندگان او، دانشمندان خدا ترسند؛ خداوند توانا و آمرزنده است.

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۰۶۷ | ملک - ۱۲)

به یقین کسانی که از پروردگارش در نپدید می ترسند، آمرزش و پاداش بزرگی دارند.

وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (نازعات ۴۰ - ۴۱)

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا باز دارد، به یقین بهشت جایگاه اوست.

۱- چشمانی که در قیامت نمی گریند

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً أَعْيُنٌ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ قَالَ ﷺ طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللَّهَ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ غَيْرُهُ. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص: ۱۷۷

سکونی از امام صادق علیه السلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تمام چشمها در روز قیامت گریانند بجز سه چشم: چشمی که از هیبت و ترس خدا بگرید، و چشمی که شبها در راه خدا بیدار بماند، و چشمی که از محرمات الهی چشم بپوشد.

۲- عبادت در حد مشقت و گریه زیاد از خوف خدا در حد غش کردن بیاس بندگی

۱- و یکی داود عليه السلام علی خطیئته حتی سارت الجبال لخوفه معه وَ نَبِيْنَا عليه السلام قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ فَسَمِعَ لِخَوْفِهِ أَرْزِزُ كَأَرْزِزِ الْمَرْجُلِ عَلَى الْأَنْفَاقِ مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ وَ قَدِ آمَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ عِقَابِهِ فَأَرَادَ أَنْ يَتَخَشَّعَ وَ قَامَ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِهِ عَشْرَ سَنِينَ حَتَّى تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ وَ اصْفَرَّ وَجْهُهُ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى طَهَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى.

وَ كَانَ عليه السلام يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُ أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا. و كذلك كانت عبادة وصيه عليه السلام في مقاماته الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص: ۹۱۷

حضرت داود- علیه السلام- بر خطای خود به قدری گریست که از شدت ترس کوهها با او به ناله در آمدند و پیامبر ما- صلی الله علیه و آله- وقتی به نماز می ایستاد از خوف و شدت گریستنش مانند صدای جوشیدن دیگ بر روی اجاق، به گوش می رسید، در حالی که خدای متعال او را از عقوبتش ایمن و محفوظ داشت ولی او می خواست در برابر خداوند اظهار خشوع و فروتنی کند. رسول خدا- صلی الله علیه و آله- ده سال وقتی به نماز می ایستاد روی انگشتان پایش تکیه می کرد، در نتیجه پاهایش (و یا انگشتانش) ورم کرد و چهره مبارکش از شب زنده داری زرد شده بود (خدای تعالی برای جلوگیری او از این کار) این آیه را فرستاد: «طه ۲» ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت اندازی».

و حضرت به قدری می گریست که از حال می رفت، به او گفتند: (چرا این همه ناله و گریه می کنی) مگر نه اینکه خداوند گناه گذشته و آینده تو را بخشیده است؟ فرمود: آیا من بنده شکرگزاری نباشم؟ «۵». و عبادات جانشین او یعنی امیر مؤمنان علی- علیه السلام- نیز در مقام خویش چنین بود

۲- و فی المناقب: و کان صلی الله علیه و آله یبکی حتی یغشی علیه فقیل له: ألیس قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبک و ما تأخر؟ فقال: أفلا أکون عبدا شکورا. و كذلك کان غشیات علی بن ابي طالب ؑ وصیّه فی مقاماته. رواه فی المستدرک ج ۲ ص ۲۹۵ و قریبا منه ما فی الارشاد للدیلمی باب ۲۲ ص ۱۲۰.

روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان می گریست که بیهوش می گشت. به آن حضرت عرض شد: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشوده است؟ فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟ ... بیهوشی های علی بن ابی طالب علیه السلام نیز در مقامات عبادت و بندگی چنین بود.

۳- گریه های شدید از روی معرفت به بزرگی معبود و کوچکی خود

عن موسی بن جعفر ؑ، عن ابيه، عن آباءه عن الحسين بن علي عليهم السلام- فی خبر طویل بذکر فیہ حالاته صلی الله علیه و آله- و کان یبکی حتی یبتلّ مصلاً خشیه من الله عزّ و جلّ من غیر جرم، الخبر. احتجاج طبرسی ص ۱۱۳ و روی هذا المعنی فی الارشاد للدیلمی ص ۱۲۰ ۳۴. حضرت حسین بن علی علیه السلام ضمن خبری طولانی در شرح حال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن حضرت از ترس خدا چندان می گریست که جای نمازش تر می شد، با آنکه گناهی نداشت.

و عن الدیلمی فی الارشاد: و روی أنّ ابراهیم علیه السلام کان یسمع منه فی صلاته أریز كأریز المرجل من خوف الله تعالی. و کان رسول الله صلی الله علیه و آله كذلك. باب الخوف ص ۱۳۹ و روی هذا المعنی فی عدّه الداعی ص ۱۳۸ و فی عوارف المعارف ص ۳۲۳.

روایت است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که به نماز می ایستاد از ترس خدا صدایی مانند صدای جوشش دیگ از او شنیده می شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین بود. «۳۵»- «۳۵»

۹- سلام و سبقت بر آن

۱- سلام و درود ملائکه به بهشتیان

وَ سَبِّحَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
(۳۹ | زمر - ۷۳)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند؛ هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارايتان باد! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۱۳ | رعد - ۲۲ تا ۲۴)

و کسانی که برای جلب رضای پروردگارشان شکیبایی می کنند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان و آشکار، انفاق می کنند؛ و با حسنات، سیئات را برطرف می سازد؛ سرانجام (نیک) سرای آخرت، از آن آنه جنات عدنِ یَدْخُلُونَهَا (همان) باغهای جاویدان بهشتی که همراه پدران و همسران و فرزندان صالحشان، وارد آن می شوند؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد (و به آنان می گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام سرای جاویدان!

۲- تحیت و درود بهشتیان به یکدیگر

دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَ آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰ | یونس - ۱۰)

گفتار (و دعای) آنها در آنجا این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیت آنها در آن جا: سلام. و آخرین سخنشان این است که: «حمد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.»

وَ أَدْخَلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۱۴ | ابراهیم - ۲۳)

و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشتی وارد می کنند؛ باغهایی که نهرها از پای درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان

۳- پاسخ سلام، بهتر از خودش باشد

وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (۴ | نساء - ۸۶)

هر گاه به شما تحیتی گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد.

۴- سلام بلند و با صدای رسا بهترین اخلاق انبیاء

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَخْلَاقٍ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ﷺ إِفْشَاءُ السَّلَامِ فِي الْعَالَمِ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧٣، ص: ١٢

رسول خدا (ﷺ) فرمود: بشما خبر ندهم از بهترین اخلاق اهل دنیا و دیگر سرا گفتند: چرا یا رسول الله فرمود: فاش کردن سلام در همه جهان.

۵- کسیکه از همه کس بیشتر مورد توجه خدا و رسول است

وَمِنْهُ عَنْ جَعْفَرٍ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧٣، ص: ١٢

از رسول خدا (ﷺ) روایت است فرمود که اولای مردم بخدا و رسولش آنکه آغاز بسلام کند.

۶- افنخار به سلام به کوچک و بزرگ

۱- عن الرضا عليه السلام عن آبائه ع. قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خمس لا أدعهنّ حتى الممات: الأكل على الأرض مع العبيد، وركوبى مؤكفاً، وحبلى العنز ببيدى، ولبس الصوف و التسلیم على الصبيان، ليكون سنّه من بعدى. علل الشرايع ج ١ ص ١٢٤ و عيون ج ٢ ص ٨١ و خصال باب الخمس و مجالس الصدوق ص ٧٢ و مكارم ج ١ ص ١٣١ و مجموعة الورام ج ٣ ص ١٥٦ و فى بعضها: و خصفى النعل ببيدى.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست بر نمی دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ پالاندار سوار شدن، شیر بز را با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن، تا آنکه پس از من سنت شود.

۲- و عن القطب فى «لبّ اللّباب»: عن النبیّ صلى الله عليه وآله أنّه كان یسلّم على الصغیر و الكبیر. المستدرک ج ٢ ص ٦٩. ٥٥. به روایت قطب راوندی، رسول خدا صلى الله عليه وآله بر کوچک و بزرگ سلام می کرد.

۷- سلام با احتمال افتادن در دام شیطان

و فى الكافى: مسندا، عن ربعی بن عبد الله، عن أبى عبد الله عليه السلام، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله یسلّم على النساء و یردّون علیه السلام. و كان أمير المؤمنین علیه السلام على النساء و كان یكره أن یسلّم على الشابّة منهنّ و یقول: أتخوف أن یعجبنى صوتها فیدخل علىّ أكثر ممّا أطلب من الاجر. ج ٢ ص ٦٤٨ و ج ٥ ص ٥٣٥ و فى الفقيه ص ٤٣٣ و فى المستدرک ج ٢ ص ٧٠ و ص ٥٥٨.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به زنان سلام می کرد و آنان نیز پاسخ می گفتند. و امیر مؤمنان علیه السلام به زنان سلام می کرد ولی کراهت داشت که به زنان جوان سلام کند و می فرمود: می ترسم از آهنگ صدای آنان خوشم آید، آن گاه زیان این کار بیش از اجری که در نظر دارم بر من وارد شود

۸- تحیت مومنین و اهل بهشت «السلام علیکم»

علی بن ابراهیم فی تفسیره قال: کان أصحاب النبی صلی الله علیه و آله إذا أتوه یقولون له: «أنعم صباحا و انعم مساء»- و هی تحیة أهل الجاهلیة- فأنزل الله: «وَ إِذَا جَاؤُكَ حَیَّوْكَ بِمَا لَمْ یُحَیِّکَ بِهِ اللَّهُ» فقال لهم رسول الله صلی الله علیه و آله: قد ابدلنا الله بخیر من ذلك، تحیة أهل الجنة، «السلام علیکم». المستدرک ج ۲ ص ۶۹

روایت است که چون یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت ایشان می رسیدند [به جای سلام] می گفتند: «صبح به خیر و شب به خیر» و این سلام و تحیت مردم زمان جاهلیت بود، پس خداوند این آیه را فرستاد: «و هنگامی که نزد تو می آیند تو را به چیزی تحیت گویند که خداوند تو را با آن تحیت نگفته است» آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: خداوند بهتر از این را که تحیت بهشتیان است به ما ارزانی داشته و آن «السلام علیکم» است.

۹- جواب سلام بهتر از اصل سلام

الشیخ أبو الفتوح فی تفسیره: عن النبی صلی الله علیه و آله أنه کان إذا سلّم علیه أحد من المسلمین فقال: «سلام علیک» یقول: «و علیک السلام و رحمة الله» و إذا قال: السلام علیک و رحمة الله. قال النبی صلی الله علیه و آله: «و علیک السلام و رحمة الله و برکاته» و هكذا یزید فی جواب من یسلم علیه. المستدرک ج ۲ ص ۷۰

هر گاه یکی از مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام می کرد و می گفت: «سلام علیک» در پاسخ می فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله»، و چون می گفت: «السلام علیک و رحمة الله» پیامبر می فرمود: «و علیک السلام و رحمة الله و برکاته»

۱۰- خنده و تبسم

۱- چهره باز، با تبسم همیشگی و درهمه مواقع

و کان ﷺ أكثر الناس تبسّما ما لم ینزل علیه قرآن. و لم تجر عظة. و ربّما ضحک من غیر قهقهة

بیش از همه کس لبخند بر لب داشت مگر زمانی که قرآن بر او نازل می شد و یا مردم را موعظه می کرد. و خنده اش بدون قهقهه بود

عن عائشة، رضی الله عنها، قالت: ما رأیت رسول الله، صلی الله علیه و سلّم، قطّ مستجمعا ضاحکا حتی أری منه لهواته، إنما کان یتبسّم. [(۳۹)] أخرجه البخاری فی: ۶۵- کتاب التفسیر، تفسیر سورة الأحقاف (۲) باب «فلما رأوه عارضا مستقبل أودیتهم..» فتح الباری (۸: ۵۷۸)، و فی ۷۸- کتاب الأدب (۶۸) باب التبسم و الضحک، فتح الباری (۱۰: ۵۰۴).

از عایشه نقل است هیچ موقع و هرگز رسول خدا را ندیدم که باحالتی بخندد که دندانها و دهان باز شده اش را ببینم (بله) ایشان تبسم می فرمود

۲- مزاح و شوخی و بازی باچه هاروش و سنت صالحه

و عن عائشة في حديث عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ مَا دَعَاهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ وَلَا أَهْلَ بَيْتِهِ إِلَّا قَالَ: «لَبِيك». وَكَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمَازِحُ أَصْحَابَهُ وَيَخَالِطُهُمْ وَيُحَادِثُهُمْ، وَيَدَاعِبُ صَبِيانَهُمْ، وَيَجْلِسُهُمْ فِي حَجْرِهِ، ازعایشه نقل است میگفت هر موقع یکی از اصحاب پیامبرایکی از اهل خانواده شان ایشان رامیخواندجتما حضرت جوابش (جواب مثبت) و حضرتش باصحابش مزاح میفرمودوبایشان معاشرت میکردوبایشان حرف می زدوبابچه هایشان بازی می کردودردامنش می نشاندشان

۳- خنده زیادسبب ازبین رفتن ایمان و دلمردگی

عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَثْرَةُ الْمِزَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَكَثْرَةُ الضَّحِكِ يَمْحُو الْأَيْمَانَ وَكَثْرَةُ الْكُذْبِ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ الْأَمَالِيِّ (للصدوق)، النص، ص: ۲۷۰ ءمشكاه الأنوار في غرر الأخبار، النص، ص: ۸۵

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود شوخی بسیار آبرو را میبرد و خنده بسیار ایمان را نابود میکند و دروغ زیاد خرمی را بر میاندازد.

قَالَ إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الضَّحِكِ فَإِنَّهُ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ الْخِصَالِ، ج ۲، ص: ۵۲۶

حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابازر فرمودندمبادا بسیار بخندی که دل را میمیراند و روشنی رخسارت را میبرد

۱۱- زهدوبی رغبتی به دنیا

۱- حقیقت دنیا

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۰۰۶ | انعام - ۳۲)

زندگی دنیا، جز بازی و سرگرمی نیست؛ و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزکارند، بهتر است. آیا نمی اندیشید؟!

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۰۲۹ | عنكبوت - ۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و فقط سرای آخرت، سرای زندگی (واقعی) است، اگر می دانستند.

اغْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ (۰۵۷ | حديد - ۲۰)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی و سرور فرو می برد، سپس خشک می شود به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی؛ سپس تبدیل به کاه می شود. (آری دنیا نیز به همین سرعت می گذرد) و در آخرت، عذاب شدید است یا آمرزش و رضای الهی؛ و زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.

۲- حقیقت زهد و بی رغبتی به دنیا

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۰۵۷ | حديد - ۲۳)

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دل بسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.

وَ قَالَ ﷺ: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا مُّسْتَدْرِكَ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبِطَ الْمَسَائِلِ، ج ۱۲، ص: ۵۱

خدای تعالی هیچ شخصی را به پیامبری انتخاب نکرد مگر اینکه نسبت به دنیا زاهد و بی رغبت بود

۳- بهترین و زیباترین آرایش نزد خدا

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ لِمُوسَىٰ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ لَنْ يُتَزَّيَّنَ الْمُتَزَيِّنُونَ بَرِيْنَهُ أُرِيْنِ فِي عَيْنِي مِثْلَ الزُّهْدِ يَا مُوسَىٰ إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبَلًا فَقُلْ مَرْحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ وَ إِذَا رَأَيْتَ الْغِنَىٰ مُقْبَلًا فَقُلْ ذَنْبٌ عَجَلْتُ عَقُوبَتَهُ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۹۴

و خدای تعالی ب موسی فرموده: ای موسی هرگز آرایش نمیدهند آرایش کنندگان بآرایی بهتر در نظر من از پارسائی. ای موسی هر گاه دیدی فقری رو آورده است بگو مرحبا بشعار شایستگان و هر گاه دیدی که ثروتمندی رو آورد پس بگو گناهی است که کیفرش زود رسد.

۴- چیزی که خدا بر آن می بالد و بر صاحبش درود می فرستد

يَا ابْنَ مَسْعُودٍ النَّارُ لِمَنْ رَكِبَ مَحْرَمًا وَ الْجَنَّةُ لِمَنْ تَرَكَ الْحَلَالَ فَعَلَيْكَ بِالزُّهْدِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَبَاهِي اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ وَ بِهِ يَقْبَلُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ وَ يُصَلِّي عَلَيْكَ الْجَبَّارُ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۷۴، ص: ۹۶

ای پسر مسعود آتش برای کسی است که حرامها را انجام دهد و بهشت برای کسی است که حلال را واگذارد پس بر تو باد پارسائی زیرا که پارسائی از چیزهاییست که خدا بواسطه ای آن بر فرشتگان می بالد و با آن پارسائی خدا متوجه تو می شود و جبار بر تو درود میفرستد

۵- زهد بالای پیامبر ﷺ بدلیل معرفت او به بی ارزشی دنیا

فی نهج البلاغة: قال عليه السلام: فتأسّ بنبيك الأطهر الأطيب - إلى أن قال -: قضم الدنيا قضا و لم يعرها طرفا، أهضم الدنيا كشحا و أخصم من الدنيا بطنا، عرضت عليه الدنيا فأبى أن يقبلها و علم أنّ الله سبحانه أبغض شيئا فأبغضه، و صغّر شيئا فصغّره. و لو لم يكن فينا إلّا حبنا ما أبغض الله و تعظيمنا لما صغّر الله لكفى به شقاقا و محادّة عن أمر الله، و لقد كان رسول الله صلّى الله عليه و آله يأكل على الأرض و يجلس جلسة العبد و يخصف بيده نعله و يرقع ثوبه، و يركب الحمار العارى و يردف خلفه، و يكون الستر على باب بيته فيكون عليه التصاوير فيقول: يا فلانة - لاحدى أزواجه - غيبيه عنى فأنى إذا نظرت إليه ذكرت الدنيا و زخارفها.

فاعرض عن الدنيا بقلبه و أمات ذكرها عن نفسه و أحبّ أن تغيب زينتها عن عينيه، لكيلا يتخذ منها ريشا و لا يعتقدها قرارا و لا يرجو فيها مقاما. فأخرجها من النفس و اشخصها عن القلب و غيّبها عن البصر. و كذلك من أبغض شيئا أبغض أن ينظر إليه و أن يذكر عنده. نهج البلاغة «الفيض» ص ٥٠٠ و رواه الطبرسي فى المكارم ص ٣ ج ١ و البحار ج ١٦ ص ٢٨٩.

على عليه السلام در وصف پیامبر صلّى الله عليه و آله و تأسى به آن حضرت فرمود: پیامبر پاک و پاکیزه خود را سرمشق گیر ... که از دنیا نیم لقمه‌ای برگرفت و چشمی بدان ندوخت. از همه کس پهلویش از دنیا لاغرتر و شکمش از دنیا خالی‌تر بود. دنیا بر او عرضه شد ولی نپذیرفت. و هر گاه دانست که خداوند چیزی را دشمن دارد او نیز آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا حقیر دانست او نیز حقیر شمرد. و اگر خصلتی جز این در ما نبود که دوست می‌داریم آنچه را خدا دشمن داشته، و بزرگ می‌داریم چیزی را که خدا کوچک شمرده، همین در مخالفت و دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان او بس بود!

همانا رسول خدا صلّى الله عليه و آله بر روی زمین غذا می‌خورد. چون بندگان می‌نشست. کفش خود را به دست خویش پینه می‌زد و لباسش را وصله می‌دوخت. بر الاغ بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می‌کرد. و چون دید پرنده‌ای با نقش و نگار بر در اتاقش آویخته، به یکی از زنان خود فرمود: ای فلانی، این پرده را از نظرم دور دار، که هر گاه به آن می‌نگرم به یاد دنیا و زرق و برق آن می‌افتم!

پیامبر صلّى الله عليه و آله قلبا از دنیا روی گرداند و یاد آن را در درون خود بکشت. او دوست داشت زینتهای دنیا از نظرش پنهان باشد تا مبدا جامه‌ای زیبا و فاخر از آن برگیرد و آن را خانه همیشگی خود پندارد و امید اقامت در آن را در سر بیوراند. پس دنیا را به کلی از جان خود بیرون کرد و یاد آن را از دل براند و آن را از نظر پنهان داشت. آری هر که چیزی را دشمن دارد نگاه به آن را نیز دشمن دارد و خوش ندارد نامی از آن در نزد او به میان آید

فی مجمع البیان: و کان رسول الله صلّى الله عليه و آله، لا ينظر الى ما يستحسن من الدنيا ج ٦ ص ٣٤٥.
رسول خدا صلّى الله عليه و آله از کالای دنیا به آنچه در نظر دیگران نیکو و فریبنده بود نگاه نمی‌کرد.

عن ابن فهد فى كتاب التحصين: مرسلا، قال: توقى رسول الله صلّى الله عليه و آله و ما وضع لبنه على لبنه. رواه النورى فى المستدرک ج ١ ص ٢٤٥ و فى الارشاد للديلمى ص ٢٢٠ و مجموعة الورام ج ١ ص ١٤٧ و عدة الداعى ص ١٠٨. رسول خدا صلّى الله عليه و آله از دنیا رفت در حالی که خشتی بر روی خشتی ننهاد.

٦-بابی نیازیش هرگز کامل از مواهب حلال دنیا استفاده نکرد

فى أمالى الطوسى: باسناده عن محمد بن مسلم - فى حديث - عن أبى جعفر عليه السلام، قال: يا محمد لعلك ترى أن رسول الله صلّى الله عليه و آله رآته عين و هو يأكل متكئا منذ بعثه الله إلى أن قبضه؟! ثم قال: يا محمد، لعلك ترى أنه شبع من خبز البر ثلاثة أيام متواليه، منذ بعثه الله إلى أن قبضه!؟

ثمّ انه عليه السلام ردّ على نفسه، ثمّ قال: لا والله ما شبع من خبز البرّ ثلاثة ايام متواليه الى ان قبضه الله. أما اني لا أقول: انه صلّى الله عليه و آله لم يجد، لقد كان يجيز الرجل الواحد بالماء من الإبل، و لو أراد أن يأكل لأكل. و لقد أتاه جبرئيل بمفاتيح خزائن الأرض ثلاث مرار، فخيّره، من غير أن ينقصه الله ممّا أعدّ له يوم القيامة شيئاً، فيختار التواضع لربه و ما سئل شيئاً قطّ فقال: لا، ان كان أعطي، و ان لم يكن قال: يكون ان شاء الله تعالى. الحديث. ج ٢ ص ٣٠٣ و في الكافي ج ٨ ص ١٣٠ و ص ١٦٤ بسندين.

امام باقر عليه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد، شاید پنداری که رسول خدا صلّى الله عليه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود کسی آن حضرت را- اگر چه یک بار- دیده باشد که در حال تکیه دادن غذا خورده باشد؟ ای محمد، شاید گمان کنی که رسول خدا صلّى الله عليه و آله از روزی که خداوند او را مبعوث نمود تا روزی که او را قبض روح فرمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر ده باشد؟

آن گاه حضرت پاسخ خود را چنین داد: نه، به خدا سوگند تا روزی که خداوند جان او را قبض نمود سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد. البته نمی گویم آن حضرت دسترسی به آن نداشت، بلکه گاهی به یک مرد صد شتر می بخشید؛ و اگر می خواست بخورد حتما می توانست. همانا جبرئیل سه بار کلید گنجهای زمین را نزد آن حضرت آورد و او را در انتخاب آن مخیر ساخت بدون آنکه خداوند چیزی از پاداش اخروی که برای او آماده ساخته بکاهد، ولی او در هر بار تواضع و فروتنی در برابر پروردگارش را [بر تمام گنجهای زمین] برمی گردید. هرگز چیزی از او درخواست نشد که در پاسخ «نه» بگوید. اگر داشت می بخشید، و اگر نداشت می فرمود: به خواست خدا انجام خواهد شد.

فی العیون: باسناده عن التمیمی، عن الرضا عليه السلام، عن آبائه، عن علي عليهم السلام قال: ما شبع النبي صلّى الله عليه و آله من خبز بر ثلاثة ايام حتى مضى لسبيله. (ج ٢ ص ٦٤ و فی عوارف المعارف ص ٣٢٨.

علی علیه السلام فرمود: پیامبر گرامی صلّى الله عليه و آله هرگز سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخورد تا به رحمت الهی پیوس

و فی مجموعه الورام: عن أبي هريرة: ما شبع رسول الله صلّى الله عليه و آله، و أهله ثلاثة ايام تباعا، من خبز حنطة، حتى فارق الدنيا. ج ١ ص ٤٨

ابو هریره گوید: هرگز رسول خدا صلّى الله عليه و آله و خانواده او تا هنگام رحلت آن حضرت سه روز پیاپی از نان گندم سیر نخوردند.

و قالت عائشة: ما شبع رسول الله صلّى الله عليه و آله ثلاثة ايام متواليه، حتى فارق الدنيا، و لو شاء لشبع، و لكنه كان يؤثر على نفسه. ج ١ ص ١٧٢ و امالی الطوسی ج ١ ص ٣١٨

عائشه گوید: رسول خدا صلّى الله عليه و آله تا دم مرگ نشد که سه روز پیاپی از طعام سیر شده باشد، و اگر می خواست می توانست خود را سیر کند، ولی گرسنگان دیگر را بر خود مقدم می داشت.

ما كان يجتمع لرسول الله صلّى الله عليه و آله لوانان في لقمة في فمه، ان كان لحما لم يكن خبزاً، و إن كان خبزاً لم يكن لحماً

ج ١ ص ٤٨

هیچ گاه دو رنگ غذا در یک لقمه رسول خدا صلّى الله عليه و آله جمع نشد، اگر گوشت بود نان نداشت، و اگر نان بود گوشت نداشت.

ما اجتمع عند رسول الله صلّى الله عليه و آله، ادامان، إلا أكل أحدهما و تصدق بالآخر. ج ١ ص ٤٨.

هیچ گاه دو نوع غذا نزد رسول خدا صلّى الله عليه و آله جمع نشد مگر آنکه یکی را خود خورد و دیگری را صدقه داد.

و فی المکارم: و لقد جاءه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله «ابن خولي» بِإِنَاءٍ فِيهِ عَسَلٌ وَ لَبَنٌ فَأَبَى أَنْ يَشْرِبَهُ فَقَالَ: شَرِبْتَانِ فِي شَرْبَةٍ، وَ إِنَاءٌ
أَنْ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ، فَأَبَى أَنْ يَشْرِبَهُ. ثُمَّ قَالَ: مَا أَحْرَمَهُ وَ لَكِنِّي أَكْرَهُ الْفَخْرَ وَ الْحِسَابَ بِفَضُولِ الدُّنْيَا غَدَا، وَ أَحَبُّ التَّوَاضُعِ فَإِنَّ مِنْ
تَوَاضُعٍ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ. ج ١ ص ٣٣ وَ فِي الْكَافِي ج ٢ ص ١٢٢ وَ فِي الدَّعَائِمِ ج ٢ ص ١١٦ وَ مُحَاسِنِ ص ٣٤٣ وَ الْمُسْتَدْرَكِ ج ٣ ص
٩٧ وَ تَحْفِ الْعُقُولِ ٤٦.

ابن خولي ظرفی برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله آورد که در آن شیر و عسل ریخته بود. آن حضرت از خوردن آن خودداری کرد و
فرمود: دو نوع نوشیدنی در یک جا، و دو ظرف (دو نوع) غذا در یک ظرف؟! پس، از خوردن آن خودداری نمود، سپس فرمود: آن را حرام
نمی‌کنم، ولی دوست ندارم در دنیا فخر و مباهات کنم و در فردای قیامت به خاطر بهره‌مندی بیش از حد از دنیا حساب پس بدهم. من
فروتنی را دوست دارم، زیرا هر که برای خدا فروتنی کند خدایش سربلند گرداند.

وَ فِي الْبَحَارِ: عَنْ لُوطِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَشْيَاخِهِ وَ أَسْلَافِهِ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي كَيْفِيَّةِ شَهَادَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ قَالَ لِابْنَتِهِ
أُمِّ كَلْثُومٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ: - أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَتَّبِعَ أَخِي وَ ابْنَ عَمَّتِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، مَا قَدَّمَ إِلَيْهِ إِدَامَانَ فِي طَبَقٍ وَاحِدٍ إِلَى
أَنْ قَضَى اللَّهُ. الْحَدِيثُ. ج ٤٢ ص ٢٧٦ وَ فِي الْمَنَاقِبِ ج ٤ ص ٩٩
علی علیه السلام در هنگام شهادت به دخترش امّ کلثوم علیها السلام فرمود: من می‌خواهم از برادر و پسر عمویم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله و
آله پیروی کنم که تا زنده بود هیچ گاه دو نوع غذا برای او در طبقی نیاوردند.

۱۲- شکر

۱- تشویق و امر به شکر گزاری

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ (٠٠٢ | البقره - ١٥٢)

پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم؛ و شکر مرا به جای آورید و (نعمتهای مرا) کفران نکنید.

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْنُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (٠٠٧ | اعراف - ١٤٤)

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو
داده‌ام بگیر؛ و از شکرگزاران باش.»

بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (٠٣٩ | زمر - ٦٦)

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش.

وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٠٣١ | لقمان - ١٢)

ما به لقمان حکمت دادیم: (و به او گفتیم): شکر خدا را به جای آور. هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر می کند؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند)؛ چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است.

۲- روزی شکرگذار و روزی درخواست کننده

عن أبي بصير، قال: سمعت أبا- جعفر عليه السلام يقول: جاء إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ملك فقال: يا محمد إن ربك يقرئك السلام و هو يقول: إن شئت جعلت لك بطحاء مكة، رضراض ذهب، قال: فرفع رأسه إلى السماء فقال: يا رب أشبع يومًا فأحمدك و أجوع يومًا فأسألک. ص ۳۷ و رواه الصدوق في العيون ص ۱۹۹ و تراه في صحيفه الرضا ص ۲۲. و روى هذا المعنى الشيخ في الامالي ج ۲ ص ۱۴۴ و ابن شهر آشوب في المناقب ج ۱ ص ۱۷۸ و الطبرسي في المكارم ج ۱ ص ۲۳. و روى ايضا هذا المعنى في جامع الاخبار ص ۱۲۶ و غيرها من الكتب. و مجالس المفيد ص ۷۳ و في الكافي ج ۸ ص ۱۳۱.

امام باقر عليه السلام می فرمود: فرشته ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد، خدایت سلام می رساند و می فرماید: اگر بخواهی همه ریگهای مکه را برایت طلا سازم! آن حضرت سر به سوی آسمان برداشت و گفت: پروردگارا، می خواهم روزی سیر باشم و سپاس تو گویم، و روزی گرسنه باشم و از تو درخواست نمایم.

۳- تلاش بی وقفه در شکر گذاری

أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام قال كان رسول الله صلى الله عليه وآله عند عائشة ليلتها فقالت يا رسول الله لم تتعب نفسك و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر فقال يا عائشة أ لا أكون عبداً شكوراً قال و كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول على أطراف أصابع رجله فيأ نزل الله سبحانه طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى اصول ج ۲ ص ۹۵

ابو بصیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد عائشه بود، او گفت یا رسول الله چرا خودت را برای عبادت به سختی می اندازی در حالی که خداوند گذشته و آینده تو را آمرزیده است، فرمود: ای عائشه من نباید بنده ای سپاسگزار باشم، امام فرمود: رسول خدا روی انگشتان پای خود قرار می گرفت و عبادت می کرد، بعد از این آیه شریفه نازل شد طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى.

و في حديث عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يحمد الله في كل يوم ثلاثمائة مرة و ستين مرة عدد غروق الجسد يقول الحمد لله رب العالمين * كثيراً على كل حال. اصول کافی ۵۰۳/۲

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر روزی سیصد و شصت مرتبه به شماره رگ های بدن، خدا را حمد می کرد، می فرمود که: الحمد لله رب العالمين كثيراً على كل حال؛ یعنی: ستایش از برای خدا است که پروردگار جهانیان است، ستایشی بسیار، بر هر حالی».

۴- فقط و فقط درخواست از خداوندی او

عن أبي عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أمرني ربي بسبع خصال: حب المساكين و الدنو منهم، و أن أكثر من «لا حول و لا قوة إلا بالله» و أن أصل برحمي، و إن قطعني و أن أنظر إلى من هو أسفل مني، و لا أنظر من هو فوقي، و أن لا يأخذني في الله لومة لائم، و أن أقول الحق، و أن كان مرا، و ان لا أسئل احدا شيئاً. ص ۷۵.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: پروردگارم مرا به هفت خصلت دستور فرموده: دوست داشتن مساکین و تهیدستان و نزدیک شدن به آنان، و اینکه فراوان ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» بگویم، و با خویشان خود صله رحم کنم اگر چه آنان با من قطع رابطه کرده باشند، و ادر امور مادی [به کسانی که پایین تر از من قرار دارند بنگرم و به بالاتر از خود نگاه نکنم، و در راه خدا سرزنش سرزنش کننده مرا دلسرد نکند، و حق را بگویم اگر چه تلخ باشد، و از کسی چیزی درخواست نکنم.

۱۳- امانتداری

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۲۳ | مؤمنون - ۸)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند

وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينار لا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۳۰ | آل عمران - ۷۵)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، آن را به تو باز می گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی. این بخاطر آن است که گفتند: «ما در برابر امیّین [= غیر یهود]، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند؛ در حالی که (دروغ بودن آن را) می دانند.

۱- لزوم امانتداری بر خوبان و بدان

فی مجمع البیان فی قوله: وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ إِلَى قَوْلِهِ «يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» قَالَ آخِرُ الشَّرْحِ وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله انه لما قرأ هذه الآية قال كذب أعداء الله ما من شيء كان في الجاهلية الا و هو تحت قدمي الا الامانة، فانها مؤداة الى البر و الفاجر. تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص: ۳۵۴

در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه فوق از نبی اکرم نقل میکند که فرمودند دشمنان خدا (اهل کتاب فوق الذکر)

۲- برگرداندن تمام امانتهاحتی امانتهای ناچیز به صاحبانش

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أدوا الأمانة، فإن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله كان يؤدّي الخيط و المخيط مجموعة الورام ج ۱ ص ۱۲ و قريبا منه ما في الكافي ج ۲ ص ۶۳۶

امام صادق علیه السلام فرمود: امانت را به صاحبش بازگردانید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی نخ و سوزنی را که به او سپرده بودند به صاحبش باز می‌گرداند.

۳- راستگویی و امانتداری دوفرمان همه انبیاء

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عزّ وجلّ لم يبعث نبياً إلّا بصدق الحديث و أداء الأمانة إلى البرّ و الفاجر.
کافی ج ۲ ص ۱۰۴ و روی الطبرسی فی مشکوٰۃ الانوار نقلا عن المحاسن المستدرک ج ۲ ص ۸۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای متعال هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر به راستگویی و ادای امانت به صاحبش، نیکوکار باشد یا بدکار.

۴- امانت دهنده اگر قاتل علی علیه السلام باشد هم در امانتش خیانت نکن

و قال الباقر علیه السلام علیکم بالورع و الاجتهاد و صدق الحديث و أداء الأمانة إلى من ائتمنکم علیها برّاً کان أو فاجراً فلو أنّ قاتل علی بن ابي طالب علیه السلام ائتمننی علی أمانه لأدیتها إلیه. تحف العقول، النص، ص: ۲۹۹

بر شماست به پرهیزگاری و تلاش و راست گفتاری و بازپس دادن امانت به آن کس که به شما اعتماد نموده خواه آن کس نیکوکار باشد یا بزهکار. چنانچه قاتل علی بن ابی طالب امانتی به من سپارد، بی‌گمان آن را بازپس خواهم داد

۱۴- تواضع و فروتنی

و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین (۰۲۶ | شعراء - ۲۱۵) و پر و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند فرود آر.

و قالوا ما لهذا الرسول يأكل الطعام و یمشی فی الأسواق لو لا أنزل إلیه ملک فیکون معه نذیراً (۰۲۵ | فرقان - ۷)
و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! (نه سنت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا (لااقل) فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟!»

۱- نهایت تواضع از ناحیه اولین و مهمترین شخصیت عالم هستنی

و كان النبي ﷺ يرفع ثوبه و يخصف نعله و يحلب شاته و يأكل مع العبيد و يجلس على الأرض و يركب الحمار و يردف و لا يمنع الحياء أن يحمل حاجته من السوق إلى أهله و يصافح الغني و الفقير و لا ينزع يده من يد أحد حتى ينزعها و يسلم على من استقبله من كبير و صغير و غني و فقير و لا يحقر ما دعى إليه و لو إلى خشف التمره و كان خفيف المئونه كريم الطبيعة جميل المعاشرة طلق الوجه بشاشا من غير ضحك محزونا من غير عبوس مواضعا من غير مذله جوادا من غير سرف رقيق القلب رحاما بكل مسلم و لم يتجشأ من شبع قط و لم يمد يده إلى طمع و كفاه مدحا قوله تعالى وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ إرشاد القلوب إلى الصواب (للديلمي)، ج ۱، ص: ۱۱۵

و نبی اکرم ۹ از تواضع و فروتنی زیاد خودش لباسش را وصله میکرد، کفشش را پینه می نمود، گوسفندش را میدوشید، با غلامان بروی زمین می نشست، بر الاغ سوار میشد و کسی را در ردیف خود سوار میکرد و شرم نمی کرد از اینکه خودش از بازار چیزی بخرد و بخانه بیاورد، با دارا و نادارا دست می داد دستش را از دست کسی رها نمی کرد تا وقتی که طرف مقابل دستش را رها مینمود و بر هر کس از مقابلش می آمد چه کوچک و چه بزرگ چه فقیر و غنی سلام می فرمود.

هر کس آن حضرت را دعوت به مهمانی میکرد می پذیرفت اگر چه بچند دانه خرما دعوت میشد، کم خرج بود از نظر زندگی طبیعتی گرامی داشت با مردم خوش برخورد بود چهره ای بشاش و لبخندی بر لب داشت اما نه اینکه خندان باشد، غمگین بود ولی چهره اش گرفته نبود، فروتن بود نه اینکه اظهار ذلت و پستی کند، بخشنده بود نه اینکه زیاد روی کند.

دلی نازک و مهربان داشت نسبت بتمام مسلمانان، غذای زیاد نمی خورد که باد گلو کند دست طمع بسوی کسی دراز نمی کرد، در ستایش او همین بس که خدای تعالی می فرماید: «وَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». ترا خلقی بزرگ است.

۲- تواضع باب و درب ورودی عبادات الهی

قال رسول الله ﷺ ان الله أوحى الي أن تواضعوا حتى لا يفخر أحد على أحد و لا يبغى أحد على أحد، و ما تواضع أحد لله الا رفعه الله. و كان رسول الله ﷺ اذا مر على الصبيان فيسلم عليهم لكمال تواضعه) و اصل التواضع من اجلال (جلال) الله تعالى و هيبته و عظمته و ليس لله عز و جل عبادة يقبلها و يرضاها الا و بابها التواضع، و لا يعرف ما في (في معني) حقيقه التواضع الا المقربون من عباده المتصلون بوحدانيته.

قال الله تعالى: و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما و قد أمر الله عز و جل أعز خلقه و سيد بريته محمدا صلى الله عليه و آله بالتواضع، فقال عز و جل: و اخفض جناحك لمن اتبعك من - المؤمنين. و التواضع مزرعة الخشوع و الخضوع و الخشية و الحياء و انهن لا تتبين (ينبتن) الا منها (منها و فيها) و لا يسلم الشرف التام الحقيقي الا بالتواضع (للتواضع) في ذات الله تعالى. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوي، متن، ص: ۲۴۴

رسول اکرم ﷺ فرموده است: خداوند متعال وحی کرده است مرا که تواضع کنید تا فخر و مباهات ننماید یکی از شماها بر دیگری و ظلم و تعدی نکند کسی بر فرد دیگر، و فروتنی نمی کند شخصی برای خدا و در راه او مگر آنکه خداوند متعال او را عزت و بلندی مقام می دهد. و رسول اکرم ﷺ هر گاه در عبور خود به بچه ای بر می خورد، او را سلام می داد، از جهت نهایت تواضع آن حضرت. و حقیقت تواضع اینست که: انسان از جهت جلال و عظمت پروردگار متعال و در مقابل عزت و بزرگواری او پیوسته خود را حقیر و ضعیف دیده و فروتنی کند. و هیچ گونه عبادت و طاعتی نیست که مورد قبول و رضای پروردگار متعال قرار گیرد؛ مگر آنکه به صورت تواضع و شکسته دلی و ذلت نفس انجام بگیرد. و از حقیقت تواضع و از نتایج دقیق آن آگاه نمی شود، مگر کسانی که از بندگان مقرب و خاص خدا و از موحدین حقیقی و کامل باشند.

و خداوند متعال می فرماید: و بندگان مخصوص من که مورد عنایت و رحمت من قرار می گیرند، افرادی هستند که با کمال فروتنی و افتادگی راه می روند، و چون مردم نادان و خود پسند آنان را خطاب کرده و با آنان سخن گویند؛ با نهایت نرمی و تواضع و سلامتی نفس و طهارت قلب جواب می دهند. و خداوند متعال امر فرموده است گرامی ترین بنده و عزیزترین فرد خلق خود رسول اکرم (ص) را به موضوع تواضع، و فرموده است که: در مقابل بندگان مؤمن فروتنی و نرمی را شیوه خود قرار بده، و با کمال مهربانی و صفا با آنان رفتار بکن.

و تواضع محل کشت کردن و روییدن خشوع و خضوع و خشیت و حیاء است، و آنها آشکار نمی شوند و ظهور نمی کنند مگر از همان محل تواضع. و شرافت به معنی حقیقی و تمام نیز حاصل نمی شود مگر با تواضع در مقابل پروردگار متعال.

۳- فروتنی باعث بالارفتن و ترقی انسان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةٌ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِنَّ إِلَّا خَيْرًا التَّوَّاضُعُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا ارْتِفَاعًا وَ ذُلُّ النَّفْسِ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا عِزًّا وَ التَّعَفُّفُ لَا يَزِيدُ اللَّهُ بِهِ إِلَّا غِنًا مَشَكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۲۲۴

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که خیر از آنها تراوش می کند، تواضع که مقام آدمی را بالا می برد، خوار کردن نفس به او عزت می دهد و عفت که ثروت می آورد.

۴- تواضع در محل نشستن

عن أبي ذر، قال: كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله يجلس بين ظهرائي أصحابه فيجيبني الغريب فلا يدرى أيهم هو، حتى يسأل. فطلبنا إلى النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أن يجعل مجلسا يعرفه الغريب إذا أتاه. فبينما له دكانا من طين، و كان يجلس عليه و نجلس بجانبه. مكارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۵.

ابو ذر رحمه الله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله بدون امتیاز در میان اصحاب خود می نشست به گونه ای که هر گاه شخص غریبی وارد می شد نمی دانست پیامبر کدام است تا آنکه بپرسد. ما از پیامبر صلی الله علیه و آله خواهش کردیم که برای خود جای خاصی قرار دهد تا شخص تازه وارد آن حضرت را بشناسد. پس برایش سکویی از گل ساختیم و حضرت بر آن می نشست و ما در دو طرف او می نشستیم.

۵- در عین آقایی و بزرگی، با همه فروتن و متواضع

و عن الذیلمی فی الارشاد قال: كان النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله يرفع ثوبه و يخفض نعله، و يحلب شاته، و يأكل مع العبد، و يجلس على الارض، و يركب الحمار و يردف. و لا يمنعه الحياء أن يحمل حاجته من السوق إلى أهله، و يصافح الغني و الفقير، و

لا يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْ يَدِ أَحَدٍ حَتَّى يَنْزِعَهَا هُوَ. وَ يَسَلِّمُ عَلَيَّ مِنْ اسْتِقْبَلِهِ، مِنْ غَنِيٍّ وَ فَقِيرٍ، وَ كَبِيرٍ وَ صَغِيرٍ. وَ لَا يَحْقِرُ مَا دَعَى إِلَيْهِ، وَ لَوْ إِلَى حَشْفِ التَّمْرَةِ.

وَ كَانَ خَفِيفَ الْمُؤَنَّةِ كَرِيمَ الطَّبِيعَةِ، جَمِيلَ المَعَاشِرَةِ، طَلَقَ الوَجْهَ، بَسَامًا مِنْ غَيْرِ ضَحْكَ، مَحْزُونًا مِنْ غَيْرِ عُبُوسٍ، مَتَوَاضِعًا مِنْ غَيْرِ مَذَلَّةٍ. جَوَادًا مِنْ غَيْرِ سَرْفٍ، رَفِيقَ القَلْبِ: رَحِيمًا بِكُلِّ مُسَلِّمٍ. وَ لَمْ يَتَجَشَّ مِنْ شَبَعٍ قَطًّا، وَ لَمْ يَمُدَّ يَدَهُ إِلَى طَمَعٍ قَطًّا كَفَاهُ مَدْحًا قَوْلُهُ تَعَالَى وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ إِرْشَادَ القُلُوبِ إِلَى الصَّوَابِ (للدَيْلَمِيِّ)، ج ١، ص: ١١٥

رسول خدا صلی الله علیه و آله لباس خود را وصله می‌زد، کفش خود را می‌دوخت، گوسفندان خود را می‌دوشید، با بردگان غذا می‌خورد، بر زمین می‌نشست، بر درازگوش سوار می‌شد و دیگری را نیز ترک خود سوار می‌کرد. حیامانع نمی‌شد که شخصا نیازمندیهای خود را از بازار تهیه کند و خود به خانه برد. با ثروتمند و فقیر دست می‌داد و دست خود را نمی‌کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد. با هر کس روبرو می‌شد از ثروتمند و فقیر و بزرگ و کوچک سلام می‌کرد. چیزی را که به آن دعوت می‌شد کوچک نمی‌شمرد گرچه پست‌ترین نوع خرما بود کم خرج بود از نظر زندگی طبیعتی گرمی داشت با مردم خوش برخورد بود چهره‌ای بشاش و لبخندی بر لب داشت اما نه اینکه خندان باشد، غمگین بود ولی چهره‌اش گرفته نبود، فروتن بود نه اینکه اظهار ذلت و پستی کند، بخشنده بود نه اینکه زیاد روی کند. دلی نازک و مهربان داشت نسبت به تمام مسلمانان، غذای زیاد نمی‌خورد که باد گلو کند دست طمع بسوی کسی دراز نمی‌کرد، در ستایش او همین بس که خدای تعالی میفرماید: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». ترا خلقی بزرگ است.

٦- خاکی مثل توده مردم

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَقُولُ إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ آكَلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ مَجْمُوعَةٌ وَ رَامَ، ج ١، ص: ٢٠٨

پیامبر ﷺ روی زمین غذا می‌خورد و می‌گفت: من بنده‌ای هستم غذا می‌خورم، همان طوری که هر بنده‌ای می‌خورد

وَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ رَجُلٌ يَكَلِّمُهُ فَأَرْعَدَ فَقَالَ هَوْنٌ عَلَيْكَ فَلَسْتُ بِمَلِكٍ إِنَّمَا أَنَا ابْنُ امْرَأَةٍ كَانَتْ تَأْكُلُ الْقَدَّ

از ابن مسعود: پیغمبر ﷺ بطرف مردی رفت که با او سخن گوید، مرد از هیبت او بلرزه افتاد، حضرت فرمود: آسوده باش که من سلطان نیستم، من فرزند آن کسم که قرمه (یعنی غذای ساده فقیرانه) می‌خورد.

٧- انتخاب بندگی و نبوت و تواضع و رد کردن پادشاه پیامبر بودن

١- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَذْكُرُ أَنَّهُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَلِكًا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُخَيِّرُكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا رَسُولًا مُتَوَاضِعًا أَوْ مَلِكًا رَسُولًا

قَالَ فَتَنظَرُ إِلَى جَبْرِئِيلَ ﷺ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَنْ تَوَاضِعَ فَقَالَ عَبْدًا مُتَوَاضِعًا رَسُولًا فَقَالَ الرَّسُولُ مَعَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ مِمَّا عِنْدَ رَبِّكَ شَيْئًا قَالَتْ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧٢، ص: ١٢٨

کافی: بسندش تا امام باقر ﷺ که میفرمود: فرشته‌ای نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: خدایت اختیار داده است که بنده و فرستاده و با تواضع باشی یا پادشاه و پیغمبر باشی

گوید: پیغمبر ﷺ بجبرئیل علیه السلام نگاه کرد و او با دستش اشاره کرد که تواضع را بگزین و آن حضرت فرمود: بنده متواضع رسول باشم، و آن پیام آور گفت: با اینکه در هر حال از مقامی که نزد خدا داری کاسته نشود، و کلید گنجهای زمین را هم با خود آورده بود.

۲- مِنْ كِتَابِ الْمُحَاسِنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَقَدْ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَفَاتِيحِ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَهُ اللَّهُ عَمَّا أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْئًا فَاخْتَارَ التَّوَاضِعَ لِرَبِّهِ مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غَرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۲۲۴

امام باقر علیه السلام فرمود: سه بار کلید گنجهای زمین را نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند و اظهار کردند این گنجها از مقام شما در قیامت کم نمی کند، رسول خدا تواضع را اختیار کرد.

۸- هر کس برای خدا کوچکی کرد خدا او را بالا میبرد

لَقَدْ جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ ابْنُ خَوْلَى بِإِنَاءٍ فِيهِ عَسَلٌ وَ لَبَنٌ فَأَتَى أَنْ يَشْرَبَهُ فَقَالَ شَرِبْتَانِ فِي شَرْبَةٍ وَ إِنَاءَانِ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ فَأَتَى أَنْ يَشْرَبَهُ ثُمَّ قَالَ ﷺ مَا أَحْرَمُهُ وَ لَكِنِّي أَكْرَهُ الْفَخْرَ وَ الْحِسَابَ بِفُضُولِ الدُّنْيَا غَدَاً وَ أَحِبُّ التَّوَاضِعَ فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۳، ص: ۳۲۴

ابن خولی کاسه‌ای از شیر و عسل برایش آورد حضرت ﷺ از نوشیدن خودداری کرد و فرمود دو شربت در یک جا و دو ظرف در یک ظرف؟ بعد ایشان ﷺ فرمود: من بر کسی حرام نمی کنم که مکروه میدارم در اینجا فخر کنم و فردای قیامت به زیاده روی دنیا حساب پس دهم و تواضع را دوست میدارم که هر که برای خدا تواضع کند خدا او را رفعت دهد.

۹- روشی نیکو در طول زندگی و تار و زمرگ

بْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِي الْحِمَارِ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبِي الْعَنْزِ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبْيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي خصال ج ۱ ص ۲۷۱

رسول خدا فرمود پنج چیزند که تا مردن آنها را وانگذارم، غذا خوردن روی زمین با بنده‌ها و سوار شدن بر الاغ پالاننده و دوشیدن بز با دست خودم و پوشیدن لباس پشمین و سلام کردن بر کودکان تا این کارها پس از من روش عموم باشد.

۱۰- پادشاه عالمیان گل سرسبد عالم هستی و گرسنه

عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فِي حَفْرِ الْخَنْدَقِ إِذْ جَاءَتْ فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا كَسِيرَةٌ مِنْ خَبْزٍ فَدَفَعَتْهَا إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا هَذِهِ الْكَسِيرَةُ فَقَالَتْ خَبْزَتُهُ قُرْصًا لِلْحَسَنِ وَ الْعُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَنَّكَ مِنْهُ بِهِذِهِ الْكَسِيرَةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَا فَاطِمَةُ أَمَا إِنَّهُ أَوَّلُ طَعَامٍ دَخَلَ جَوْفَ أَبِيكَ مِنْذُ ثَلَاثِ عَيُونِ أَخْبَارِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ج ۲ ص ۴۰

از حضرت رضا علیه السلام از پدران گرامش علیهم السلام روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ما در حفر خندق در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که فاطمه علیه السلام آمد و پاره نانی بهمراه داشت و به رسول خدا داد و آن حضرت علیه الصلاة و السلام فرمود:

این پاره نان از کجاست؟ عرض کرد گرده نانی برای فرزندانم حسن و حسین بپختم و قدری از آن را برای شما آوردم، حضرت فرمود: بعد از سه شبانه روز این اولین لقمه‌ای است که به گلوی پدرت رسیده است

۱۱- عبودیت بندگی کمال افتخار رسول خدا ﷺ و بالاترین مدال الهی به رسولش

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۷ | اسراء - ۱) پاک و منزه است آن کس که بنده اش را در یک شب، از مسجدالحرام به مسجدالاقصى - که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم - برد، تا برخی از نشانه های خود را به او ارائه دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۲۵ | فرقان - ۱) زوال ناپذیر و پربرکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (۱۸ | كهف - ۱) حمد مخصوص خدایی است که این کتاب را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد؛

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جُلُوسَ الْعَبْدِ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ عَبْدٌ بِحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۴۱۹

بیان و یعلم أنه عبد أي يعمل بمقتضى العبودية و هذه مرتبة عظيمة من مراتب الكمال و لذا وصف الله تعالى خالص أنبيائه و أصفيائه بالعبودية كما قال سبحانه سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا و أمثاله كثيرة. « بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۳، ص: ۴۱۹

امام صادق عليه السلام فرمود پیامبر صلى الله عليه وآله همچون بندگان خوراک می خورد، و همچون بندگان بر زمین می نشست، و می دانست که او بنده است.

مرحوم مجلسی میگوید بیان: یعنی بمقتضای بندگی خدا کار میکرد که درجه بزرگی است از درجات کمال و از این رو خدا او را از خالص پیغمبران و برگزیده هاش به بندگی ستوده و فرموده «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ ۱- الاسراء» و فرموده: (عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا) ۶۵- الكهف» و مانند آنها بسیار است.

سَأَلَ بَشِيرُ الدَّهَّانُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ مَتَكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَ عَلَى يَسَارِهِ فَقَالَ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ مَتَكِنًا عَلَى يَمِينِهِ وَ لَا عَلَى يَسَارِهِ ﷺ وَ لَكِنْ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص: ۲۶۲

از امام صادق عليه السلام نقل است فرمودند هیچگاه رسول خدا صلى الله عليه وآله درحالیکه به راست یاچپشان تکیه کرده باشند چیز نمی خوردندولکن مثل بندگان وبردگان می نشست. راوی گفت عرض کردم چرا؟ فرمود بجهت تواضع در برابر خدا(که من هم بنده توام)

جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ كَانَ يَأْكُلُ عَلَى الْخَضِيضِ وَ يَنَامُ عَلَى الْخَضِيضِ

امام باقر علیه السلام فرمودند رسول خدا صلی الله علیه و آله را شیوه بود چون بنده میخورد و چون بنده می نشست و بر حوض میخورد و بر حوض میخوابید.
(دهخدا میگوید حوض جای پست است)

عَنِ الْحَسَنِ الصَّنِقَلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَرَّتْ امْرَأَةٌ بَدْوِيَّةٌ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَأْكُلُ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى الْحَضِيضِ فَقَالَتْ يَا مُحَمَّدُ وَاللَّهِ إِنَّكَ لَتَأْكُلُ لَتَأْكُلُ الْعَبْدُ وَتَجْلِسُ جُلُوسَهُ
فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَحْكُ أَيُّ عَبْدٍ أَعْبَدُ مِنِّي قَالَتْ فَنَاوَلْنِي لُقْمَةً مِنْ طَعَامِكَ فَنَاوَلَهَا فَقَالَتْ لَا وَاللَّهِ إِنَّا لَنَبِي فِي فَمِكَ
فَأَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَا أَصَابَهَا دَاءٌ حَتَّى فَارَقَتْ الدُّنْيَا بَحَارِ الْأَنْوَارِ الْجَامِعَةِ لِدَررِ أَخْبَارِ الْأئِمَّةِ الْأَطْهَارِ
ج ۱۶، ص: ۲۲۶

در محاسن (..) بسندش تا امام ششم که میفرمود: یک زن بیشرمی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله گذر کرده و آن حضرت غذا میخورد گفت: ای محمد بخدا تو چون بنده میخوری و می نشینی
حضرتش فرمود: مادرم از من بنده تر بود گفتش یک لقمه از خوراکی بمن ده، و باو داد و گفت بخدا نه، تا از دهانت بر آری و رسول خدا صلی الله علیه و آله لقمه ای از دهانش بر آورد و باو داد و آن زن خورد امام ششم علیه السلام فرمود: آن زن دردی ندید تا از دنیا رخت کشید.

۱۲- سنتی دائمی با فروتنی قابل ستایش

۱- أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَعُودُ الْمَرِيضَ وَ يَتَّبِعُ الْجَنَازَةَ وَ يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ وَ يَرْكَبُ الْحِمَارَ وَ كَانَ يَوْمَ خَيْبَرَ وَ يَوْمَ قَرِيظَةَ وَ النَّضِيرِ عَلَى حِمَارٍ مَخْطُومٍ بِحَبْلِ مِنْ لَيْفٍ تَحْتَهُ إِكَافٌ مِنْ لَيْفِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ الْجَامِعَةِ لِدَررِ أَخْبَارِ الْأئِمَّةِ الْأَطْهَارِ
ج ۱۶، ص: ۲۲۹

از انس بن مالک: پیغمبر صلی الله علیه و آله همواره بیماران را عیادت مینمود و جنازهها را تشییع می کرد و دعوت بندگان را اجابت مینمود، بر الاغ سوار میشد: در جنگ خیبر و بنی قریظه و بنی نضیر بر الاغ سوار بود که دهانه و پالان و رانکی آن از لیف خرما بود.

۲- وَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ لَمْ يَكُنْ شَخْصٌ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ كَانُوا إِذَا رَأَوْهُ لَمْ يَقُومُوا إِلَيْهِ لِمَا يَعْرِفُونَ مِنْ كَرَاهِيَّتِهِ

انس بن مالک گوید: هیچ کسی نزد مردم از پیغمبر صلی الله علیه و آله محبوبتر نبود و چون او را می دیدند برایش بر نمی خاستند که می دانستند حضرت از این کارها خوشش نمی آید.

۳-: وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَ يَعْتَقِلُ الشَّاءَ وَ يُجِيبُ دَعْوَةَ الْمَمْلُوكِ

ز ابن عباس: پیغمبر صلی الله علیه و آله همواره بر خاک می نشست و بر زمین غذا میخورد شتران را عقال می بست و دعوت مملوکان را اجابت مینمود.

۱۳- استادی در نهایت تواضع، مانند دیگر شاگردان

عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِيْ أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيْهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ فَطَلَبْنَا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنْ يُجْعَلَ مَجْلِسًا يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا آتَاهُ فَبَيْنَمَا لَهُ دُكَّانٌ مِنْ طِينٍ وَكَانَ يَجْلِسُ عَلَيْهِ وَنَجْلِسُ بِجَانِبِهِ

از ابی ذر: پیغمبر ﷺ همواره در میان جمع اصحاب می نشست که تازه وارد میدانست پیغمبر ﷺ کدامست (از نظر وضع مجلس) از حضرت اجازه خواستیم که برایش نشیمن مخصوص قرار دهیم، که غریبان او را بشناسند، اجازه داد و برایش دکه ای ساختیم که او بر آن می نشست و ما گرد او می نشستیم.

۱۴- فروتن حتی در زندگی شخصی

وَسُئِلَتْ عَائِشَةُ مَا كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَصْنَعُ إِذَا خَلَا قَالَتْ يَخِيطُ تَوْبَةً وَيَخْصِفُ نَعْلَهُ وَيَصْنَعُ مَا يَصْنَعُ الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ:

از عایشه پرسیدم: پیغمبر ﷺ در خانه چه می کرد؟ گفت: جامه اش را می دوخت و نعلین خود را پینه میکرد، و کارهایی که یک مرد با اهل خود میکند می نمود.

۱۵- در اثر توضع بالای او، کسی از او نمیترسید

روایاتی از بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۶، ص: ۲۳۰ به بعد

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ أَذْرَكَهُ أَعْرَابِيٌّ فَأَخَذَ بِرِدَائِهِ فَجَبَذَهُ جَبَذَةً شَدِيدَةً حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عُنُقِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ أَثَرَتْ بِهِ حَاشِيَةُ الرِّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَبَذَتِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ مَرُّ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَضَحِكَ وَ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۶، ص: ۲۳۰

از انس: عربی بیابانی رداء پیغمبر را گرفت و چنان کشید که جای زبری آن بر گردن مبارک حضرت بماند و بعد به پیغمبر گفت از مال خدا که نزد تو است بمن بده، پیغمبر به او نگاهی کرد و خندید و امر کرد به او عطائی بدهند.

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ خَدَمْتُ النَّبِيَّ ﷺ تِسْعَ سِنِينَ فَمَا أَعْلَمُهُ قَالَ لِي قَطُّ هَلَّا فَعَلْتَ كَذَا وَ كَذَا وَ لَا عَابَ عَلَيَّ شَيْئًا قَطُّ

از انس بن مالک: من ۹ سال پیغمبر (ص) را خدمت می کردم و به خاطر ندارم که هرگز یک بار بمن گفته باشد چرا چنین نکردی، این کار را انجام ندادی، و هرگز مرا بر چیزی شماتت نمود. مکارم الأخلاق / ترجمه میرباقری، ج ۱، ص: ۳۳

۱۶- افتادگی در برابر مردم و احترام به همه

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ صَحِبْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ سِنِينَ وَ شَمِمْتُ الْعِطْرَ كُلَّهُ فَلَمْ أَشَمَّ نَكْهَةً أُطِيبَ مِنْ نَكْهَتِهِ وَ كَانَ إِذَا لَقِيَهُ وَاحِدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَامَ مَعَهُ فَلَمْ يَنْصَرَفْ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ يَنْصَرِفُ عَنْهُ وَ إِذَا لَقِيَهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَتَنَاوَلَ يَدَهُ نَأْوَلَهَا إِيَّاهُ فَلَمْ يَنْزِعْ عَنْهُ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ عَنْهُ وَ مَا أُخْرَجَ رُكْبَتَيْهِ بَيْنَ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ مَا قَعَدَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ قَطُّ فَقَامَ حَتَّى يَقُومَ

و نیز انس گوید: من ده سال با پیغمبر ﷺ مصاحبت داشتم و انواع عطرها را استشمام کرده‌ام ولی هرگز بویی از بوی دهان حضرتش بهتر نیافتم و چون یکی از اصحاب به ملاقات او می‌آمد حضرت با او بر می‌خاست و جدا نمی‌شد تا طرف جدا و منصرف شود و برگردد و چون یکی از اصحاب بوی می‌رسید و دست میداد و مصافحه می‌نمود پیغمبر ﷺ دست خود را از دست او نمی‌کشید تا طرف قبلا دست خود را درآورد و هرگز پاهایش را جلو همنشینی دراز نکرد و هیچ کس در محضر او نمی‌نشست مگر اینکه وقتی میخواست برخیزد پیغمبر به احترام او بر می‌خاست.

۱۷- تواضع و رفعت و پرواز به مقامهای بالا و تکبر و افتادن

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَفْطَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشِيَّةَ حَمِيسٍ فِي مَسْجِدِ قُبَاءَ فَقَالَ هَلْ مِنْ شَرَابٍ فَأَتَاهُ أَوْسُ بْنُ حَوَالِيٍّ الْأَنْصَارِيُّ بَعْسٌ مَخِيضٍ بَعْسَلٌ فَلَمَّا وَضَعَهُ عَلَى فِيهِ نَحَاهُ ثُمَّ قَالَ شَرَابَانِ يَكْتَفِي بِأَحَدِهِمَا مِنْ صَاحِبِهِ لَا أَشْرَبُهُ وَلَا أَحْرَمُهُ وَ لَكِنْ أَتَوَاضَعُ لِلَّهِ فَإِنَّ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ خَفَضَهُ اللَّهُ وَ مَنْ افْتَتَصَدَّ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ أَحَبَّهُ اللَّهُ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۶، ص ۲۶۵

از امام ششم علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله شب پنجشنبه در مسجد قبا افطار کرد و فرمود: نوشیدنی هست؟ و اوس بن خوله انصاری قحذ بزرگی از دوغ آمیخته با عسل برایش آورد، و چونش بدم گرفت دورش کرد و فرمود: دو نوشیدنی است که یکی از آنها بس است، منش ننوشم و حرامش نکنم، ولی برای خدا تواضع کنم که هر که برای خدا تواضع کند خدا او را بالا برد، و هر که تکبر کند خدایش فرو کشد، و هر که در زندگی میانه‌رو باشد خدایش روزی دهد، و هر کس پر یاد مرگ کند خدایش دوست دارد.

۱۸- بانسانهای ضعیف و بردگان و زبردستان و کودکان

۱- كان يقضى حوائج الأرملة و اليتيم و المسكين يحسن الحسن و يصوبه و يقبح القبيح و يوهنه لا يأكل وحده و لا يضرب عبده يأكل العبد معه و يطحن عنه إذا أعيأ يحلب الشاة بيده و يعلف الناضج و يقم البيت و يخصف النعل و يرقع الثوب.

حوایج و نیازهای بیوه زنان، یتیمان و تهیدستان را همیشه برآورده می‌کرد، خوب و زیبا را تحسین می‌نمود و می‌پسندید و بد و زشت را تقبیح و تضعیف می‌نموده است. به تنهایی غذا نمی‌خورد و غلامش را نمی‌زد و بنده‌اش با او غذا می‌خورد. و اگر بنده از آسیاب کردن (گندم) خسته می‌شد به او کمک می‌کرد. خودش گوسفند را می‌دوشید و به شتر علف می‌داد و منزل را جاروب می‌کرد و کفش و لباسش را وصله می‌زد

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِي الْأَحْمَارِ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبِي الْعَنْزِ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود پنج چیزند که تا مردن آن‌ها را وانگذارم، غذا خوردن روی زمین با بنده‌ها و سوار شدن بر الاغ پالاننده و دوشیدن بز با دست خودم و پوشیدن لباس پشمین و سلام کردن بر کودکان تا این کارها پس از من روش عموم باشد.

۳- كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا فقد الرجل من اخوانه ثلاثة أيام سأل عنه، فان كان غائبا دعا له، و إن كان شاهدا زاره، و إن كان مريضا عاده مكارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر یکی از یارانش را سه روز پیاپی نمی‌دید از حال وی جویا می‌شد، اگر در سفر بود برایش دعا می‌کرد، اگر در شهر بود به دیدارش می‌رفت، و اگر بیمار بود از او عیادت می‌فرمود

۴- عن أنس، قال: خدمت النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله تَسْعَ سَنِينَ، فَمَا أَعْلَمُ أَنَّهُ قَالَ لِي قَطُّ: هَلَّا فَعَلْتَ كَذَا، وَ لَا عَابَ عَلَيَّ شَيْئًا قَطُّ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۲۳۰

انس گوید: نه سال خدمتگزاری پیامبر صلی الله علیه و آله کردم، هرگز یاد ندارم که در این مدت به من فرموده باشد: چرا فلان کار را نکردی؟! و هرگز در کاری بر من ایراد نگرفت. در مجموعه درام و عوارف المعارف این روایت نقل شده و در آنجا هست که انس گفت من ده سال خدمتگزار پیامبر بودم

۵- و عن الغزالي في الاحياء قال: قال أنس: و الذي بعثه بالحق، ما قال لي في شيء قط كرهه: لم فعلته؟. و لا لامني نسائه، إلا قال: دعوه، إنما كان هذا بكتاب و قدر.

انس گوید: به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، هرگز نشد که آن حضرت در کاری که خوشایندش نبود به من فرموده باشد: چرا چنین کردی؟! و هیچ گاه همسرانش مرا ملامت نکردند جز آنکه می‌فرمود: کاری به او نداشته باشید، تقدیر و سرنوشت چنین بوده است

۶- لا يرتفع على عبده و امائه في مأكل و لا ملبس، ما شتم أحدا بشفمة و لا لعن امرأة و لا خادما بلعنة و لا لاموا أحدا إلا قال دعوه. ج ۲ ص ۳۶۱ و روى المعنى الاول في المكارم ايضا.

در خوراک و پوشاک از غلامان و کنیزان خود برتری نمی‌جست. هرگز به کسی فحش و ناسزا نگفت، و هیچ گاه زن یا خادمی را لعن و نفرین نکرد، و هیچ گاه کسی را در حضور آن حضرت سرزنش نکردند جز آنکه می‌فرمود: رهايش کنید و به او کار نداشته باشید.

۷- قال جرير بن عبد الله: و..... يلاعب صبيانهم و يجلسهم في حجره، و يجيب دعوة العبد و الحرّ و الأمة و المسكين، و يعوّد المرضى في أقصى المدينة كشف الأسرار في شرح الإستبصار، ج ۱، ص: ۱۵۶

جریر بن عبدالله گوید... پیامبر با بچه‌ها بازی می‌کرد و به ایشان سلام می‌کرد و در دامنه‌ها آنها را می‌نشانده و دعوت بندگان، از آزادان، کنیزان (بیوه گان) و مساکین و نیازمندان را می‌پذیرفت و بیماران را در دروازه‌های مدینه عیادت می‌کرد

۸- عن أنس أن رسول الله صلى الله عليه و سلم مر على صبيان فسلم عليهم، و يأكل مع الخادم و يعجن معها، و يحمل بضاعته من السوق.

انس گوید: پیغمبر (ص) به کودکانی گذشت و بایشان سلام کرد و بانوکران غذا می‌خورد و بایشان غذا آماده می‌کرد و بارشان حمل می‌کرد و بردوش میکشید

۱۹- احترام به کوچک و بزرگ

و فی المکارم، قال: کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ یؤتی بالصبی الصغیر لیدعو له بالبرکة، فیضعه فی حجره تکرمة لأهله. و ربّما بال الصبیّ علیہ فیصیح بعض من رآه حین یبول، فیقول صلی اللہ علیہ و آلہ: لا تزرموا بالصبیّ حتیّ یقضی بوله، ثمّ یفرغ له من دعائه او تسمیته و یبلغ سرور أهله فیہ - و لا یرون أنّه یتأذی ببول صبیّهم. فاذا انصرفوا غسل ثوبه بعده. ج ۱ ص ۲۵

به روایت طبرسی در مکارم الاخلاق: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ چنان بود که کودک را برای دعای برکت یا نامگذاری حضور انورش می آوردند و آن حضرت به احترام کسانش او را در دامن خود می نشانید، و گاه می شد که کودک در دامن آن حضرت ادرار می کرد، برخی از کسانی که ناظر بودند به روی کودک فریاد می زدند، پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ می فرمود: با تندگی از ادرار کودک جلوگیری نکنید، او را رها کنید تا کاملاً ادرار کند. آن گاه به دعا و نامگذاری وی می پرداخت و کسان کودک نیز خوشحال می شدند و آزردهی و ملالت خاطر از این حادثه در پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ نمی دیدند، و چون از نزد آن حضرت بازمی گشتند ایشان لباس خود را آب می کشید

عن أنس ابن مالک: أنه مرّ علی صبیان فسلم علیهم، ثم حدثنا أن رسول الله، صلی اللہ علیہ و سلم، مرّ علی صبیان فسلم علیهم وهو معذ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص: ۲۲۹

انس گوید: پیغمبر ﷺ به کودکانی گذشت و بایشان سلام کرد، و به آنها خوراکی بخش کرد. بعد با ما سخن می گفت

۲۰- افتادگی روش و سنتی همیشگی

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ لَا أُدْعُهُنَّ حَتَّى أَلْأَكُلُ عَلَى الْخَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبِي الْعَنْزِ بِيَدِي وَ لُبْسِي الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي عِللَ الشَّرَائِعِ، ج ۱، ص: ۱۳۰

از حضرت باقر العلوم علیه السلام، از پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ نقل فرمودند که ایشان فرمودند: پنج چیز را تا وقت مردن ترک نمی کنم: غذا خوردن با بندگان روی زمین، سوار شدن روی دراز گوش پالان دار، دوشیدن شیر بز با دست خودم، پوشیدن لباس پشمی، سلام نمودن بر کودکان تا بعد از من سنت باشد.

۲۱- قلب رحیم و پرمهر و دست دهنده

و کان أرحم الناس بالصبيان و.. و لا يستكبر و ما سئل شيء قط فقال لا.

نسبت به کودکان، مهربانترین و دل رحیم ترین مردم بود و..... و هرگز بر دیگران تکبر و گرن فرازی نکرد و هیچ موقع کسی از او درخواستی نکرد که او نه بگوید

۱۵- عبادت و بندگی و ذکر خدا

۱- تلاش خستگی ناپذیر در عبادت

..... فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْانصَارِيِّ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَدْ غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدْعِ الْاجْتِهَادَ وَقَدْ تَعَبَّدَ بِأَبِي هُوَ وَ أُمِّي حَتَّى انْتَفَخَ السَّاقُ وَ وَرَمَ الْقَدَمَ فَقِيلَ لَهُ أ تَفْعَلُ هَذَا وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أ فَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۶۸، ص: ۱۸۶

امام سجاد علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: ای مصاحب و صحابی رسول خدا صلى الله عليه وآله مگر نمی‌دانی که جدم رسول خدا صلى الله عليه وآله همه اعمال گذشته و آینده‌اش مورد رضایت خداوند بود ولی باز هم در عبادت کوشش می‌کرد، پدرم فدای او باد که به اندازه‌ای عبادت کرد تا ساقهایش ورم کرد. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد تو این گونه خدا را عبادت می‌کنی در حالی که گناهان گذشته و آینده‌ات آمرزیده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درست است ولی من نباید بنده شاکری باشم.

قام رسول الله، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حَتَّى تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ، قَالَ: أ فَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا عَوَالِي اللَّتَالِي الْعَزِيزِيَّةُ فِي الْأَحَادِيثِ الدِّينِيَّةِ، ج ۱، ص: ۳۲۶

روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چندانبه عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد. به آن حضرت عرض شد: مگر خداوند گناهان گذشته و آینده شما را نبخشوده است؟ فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِائَةً وَ سِتِّينَ مَرَّةً عَدَدَ عُرُوقِ الْجَسَدِ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۵۸، ص: ۳۱۶

در کافی (ج ۲ ص ۵۰۳): بسندش از امام ششم علیه السلام که رسول خدا صلى الله عليه وآله هر روزی ۳۶۰ بار بشماره رگهای تن، خدا را سپاس میگفت میفرمود: الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال.

۲- حالات شگفت انگیز در عبادت

و عن الذیلمی فی الارشاد: و روى أن إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَسْمَعُ مِنْهُ فِي صَلَاتِهِ أَزْبِيزَ كَأَزْبِيزِ الْمَرْجَلِ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ تَعَالَى. وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَذَلِكَ. بَابُ الْخَوْفِ ص ١٣٩ وَ روى هَذَا الْمَعْنَى فِي عِدَّةِ الدَّاعِي ص ١٣٨ وَ فِي عَوَارِفِ الْمَعَارِفِ ص ٣٢٣.

روایت است که ابراهیم خلیل علیه السلام هنگامی که به نماز می ایستاد از ترس خدا صدایی مانند صدای جوشش دیگ از او شنیده می شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین بود

و قالت عائشةُ كان رسول الله ﷺ يحدثنا و نحدثه - فإذا حضرت الصلاة فكانه لم يعرفنا و لم نعرفه عدة الداعي و نجاح الساعي، ص: ١٥٢

عایشه گفت: رسول خدا (ص) با ما گفتگو می کرد و ما با او گفتگو می کردیم وقتی به هنگام نماز می شد مثل اینکه ما را نمی شناخت و ما او را نمی شناختیم

٣- نگاه عاشقانه به عبادت خدا و نماز

قال ﷺ يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبِّبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ، وَ إِلَيَّ الظَّمْآنِ الْمَاءَ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَ إِذَا شَرَبَ الْمَاءَ رَوَى، وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ. الْأَمَالِي (لِلطُّوسِي)، النَّص، ص: ٥٢٨

پیامبر ﷺ فرموده ای ابا ذر: خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و نماز را چنان محبوب من ساخته که غذای لذیذ را برای گرسنه و آب گوارا را در کام تشنه و گرسنه از غذا سیر شود ولی من از نماز هرگز سیر نمی شوم.

٤- معرفت بالادراشناخت خدا

عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ «ما عبدناك حقَّ عبادتك» دلائل الصدق لنهج الحق، ج ٦، ص: ٣٩٥

و در کافی هست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْبُدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ» الكافي ١/ ٩٩ ح ١

منسوب به پیامبر است که فرموده اند خدایاماتورا به حقیقت بندگی، عبادت نکرده ایم و در کافی و بعضی از جوامع روایی دیگر هست که خدا به حقیقت عبادت و بندگی، عبادت نشده است

وَ كَانَ لَهُ ﷺ أَصْنَافٌ مِنَ الدَّعَوَاتِ يَدْعُو بِهَا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ فَمِنْهَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أُبْلِغَ فِي الشَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ لَوْ حَرَصْتُ أَنْتَ كَمَا أَنْتَبَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، ص: ٣٨

پیغمبر ﷺ را دعاهای مختلفی بود که وقتی به بستر خواب می رفت آنها را می خواند. از آنهاست: «خدایاندا من از عقوبت و مجازات تو به عفو تو پناه می برم و از خشم تو به خشنودی تو پناه می جویم، و از تو بتو پناهنده می شوم. بار خدایا من توان آن ندارم که حق سپاس و ثنای تو را ادا کنم، هر چند که در این راه حرص و کوشش بکار برم، تو چنانی که خود ثنای خود کردی.»

۵- پناه به خدا همه وقت

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنَامِهِ وَيَقُولُ أَتَانِي جِبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عَفْرِيْتًا مِنْ الْجِنِّ يَكِيدُكَ فِي مَنَامِكَ فَعَلَيْكَ بِآيَةِ الْكُرْسِيِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، ص: ۳۸

بهنگام خواب آیه الكرسی می خواند و می فرمود: جبرئیل بر من درآمد و فرمود: ای محمد عفرتی از جن ترا در خواب رنج می دهد بر تو باد به آیه الكرسی.

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عِنْدَ مَنَامِهِ بِسْمِ اللَّهِ أَمُوتْ وَ أَحْيَا وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ أَدْ عَنِّي أَمَانَتِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، ص: ۳۸

پیغمبر (ص) بهنگام خواب می فرمود: «بنام خدا میمیرم و زنده ام و بازگشت ما بسوی خداوند است (سرنوشت ما بدست اوست). بار خدایا مرا از آنچه می ترسم در امان بدار و عورت و اسرار مرا پوشیده بدار و امانت مرا ادا کن.»

و معروف انه ﷺ قال إنه ليغان على قلبي حتى أستغفر الله في اليوم سبعين مرة» بحارج ۲۵/ص ۲۰۴

و معروف است خود حضرت ﷺ فرموده: «قلبم تار میشود (زنگار میگیرد) تا من روزی ۷۰ بار استغفار (طلب مغفرت) میکنم

در اجتماع

۱- مدارا با مردم و مردم داری

...و يُشِيْعُ الْجَنَائِزَ وَ يَعُوذُ الْمَرْضَى فِي أَقْصَى الْمَدِينَةِ يُجَالِسُ الْفُقَرَاءَ وَ يُؤَاكِلُ الْمَسَاكِينَ وَ يُنَاوِلُهُمْ بِيَدِهِ وَ يَكْرُمُ أَهْلَ الْفَضْلِ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يَتَأَلَّفُ أَهْلَ الشَّرَفِ بِالْبِرِّ لَهُمْ يَصِلُ ذَوِي رَحِمِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤَثِّرَهُمْ عَلَى غَيْرِهِمْ إِلَّا بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ لَا يَجْفُو عَلَى أَحَدٍ مَعْدِرَةَ الْمُعْتَدِرِ إِلَيْهِ وَ كَانَ أَكْثَرَ النَّاسِ تَبَسُّمًا مَا لَمْ يُنْزَلْ عَلَيْهِ قُرْآنٌ أَوْ لَمْ تَجْرِ عِظَةٌ وَ رَبَّمَا ضَحِكَ مِنْ غَيْرِ قَهْقَهَةٍ

لَا يَرْتَفِعُ عَلَى عَبِيدِهِ وَ إِمَائِهِ فِي مَأْكَلٍ وَ لَا مَلْبَسٍ مَا شَتَمَ أَحَدًا بِشْتَمَةٍ وَ لَا لَعَنَ امْرَأَةً وَ لَا خَادِمًا بِلَعْنَةٍ وَ لَا لَامُوا أَحَدًا إِلَّا قَالِ دَعْوُهُ وَ لَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ حُرٌّ أَوْ عَبْدٌ أَوْ أُمَّةٌ إِلَّا قَامَ مَعَهُ فِي حَاجَتِهِ لَا فَظًّا وَ لَا غَلِيظًا وَ لَا صَخَابًا فِي الْأَسْوَاقِ وَ لَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَ لَكِنْ يَغْفِرُ وَ يَصْفَحُ

بَدَأَ مَنْ لَقِيَهُ بِالسَّلَامِ وَ مَنْ رَامَهُ بِحَاجَةٍ صَابِرَهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْصَرَفَ مَا أَخَذَ أَحَدٌ يَدَهُ فَيُرْسِلَ يَدَهُ حَتَّى يُرْسِلَهَا وَ إِذَا لَقِيَ مُسْلِمًا بَدَأَهُ بِالْمُصَافَحَةِ بِحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۲۲۸

و در تشییع جنازه حاضر می‌شود و مریض‌ها را (حتی در دورترین راه شهر عیادت می‌کند و با فقرامی نشست و هم غذای بیچارگان می‌شود و بادستان مبارکش بر آنها لقمه می‌گرفت و بزرگان اهل برتری را احترام می‌کرد و به آنها نیکی مینمود نزدیکان خود را سرکشی می‌کرد بدون اینکه آنها را بر دیگران برتری دهد مگر امر الهی در موردی باشد و به کسی جفا نمی‌کرد عذر خواهی دیگران را می‌پذیرفت.....

در غذا و لباس بر غلامان و کنیزانش برتری نمی‌جست هر گز به کسی فحش نداد و هیچ زن و خدمتگاری را لعن و طرد نکرد و هیچ کس را سرزنش نکرد مگر او را حاضر می‌کرد (و خطایش را به او گوشزد می‌کرد) و هیچ کس نزد او نمی‌آمد مگر برای رفع نیازش اقدام می‌نمود خشن و تند خو و جارکش بازارها نبود و بدی را به بدی تلافی نمی‌کرد بلکه می‌گذشت و می‌بخشید

بر واردان ابتداء سلام می‌کرد و در بر طرف شدن نیازهای نیازمندان شکیبایی می‌کرد هر کس با او دست میداد دستش را نمی‌کشید تا او دستش را جدا کند و وقتی مسلمانی را ملاقات می‌کرد در مرحله اول با او مصافحه مینمود

وَقَالَ ﷺ أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غُرْرِ الْأَخْبَارِ، النَّص، ص: ۱۷۷

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: با مخلوق مدارا کن.

و فرمود: پروردگارم مرا به سازگاری با مردم امر فرموده، همچنان که به تبلیغ رسالتم امر فرمود.

۲- توجه به مخاطبان در کلام و عمل

عَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا فَقَدَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَأَلَ عَنْهُ فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، ص: ۱۹

از انس: پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اگر سه روز یکی از اصحاب را امیدید از حالش جويا می‌شد، اگر می‌گفتند غایب است برایش دعا می‌کرد، و اگر نه بدیدنش می‌شتافت.

وَرَوَى عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كُنَّا إِذَا جَلَسْنَا إِلَيْهِ إِنْ أَخَذْنَا بِحَدِيثٍ فِي ذِكْرِ الْآخِرَةِ أَخَذَ مَعَنَا وَإِنْ أَخَذْنَا فِي الدُّنْيَا أَخَذَ مَعَنَا وَإِنْ أَخَذْنَا فِي ذِكْرِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ أَخَذَ مَعَنَا فَكُلَّ هَذَا أَحَدٌ تَكْمٌ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. بحار الأنوار (ط) -

بیروت)، ج ۱۶، ص: ۲۳۵

از زید بن ثابت روایت شده چون (هر گاه) در محضر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نشستیم اگر سخن را با ذکر آخرت شروع می‌کردیم پیامبر (ص) با ما سخن می‌گفت و اگر در باره دنیا حرف می‌زدیم با ما حرف می‌زد و اگر در باره خوردنی و نوشیدنی سخن می‌گفتیم سخن می‌گفت و همه اینها را از پیامبر حدیث می‌کنیم.

۳- رعایت دیگران در عمل

..... وَ كَانَ ﷺ أَخَفَّ النَّاسِ صَلَاةً فِي تَمَامٍ وَ كَانَ أَفْصَرَ النَّاسِ حُطْبَةً وَ أَقْلَهُمْ هَذَا بِحَارِ الْأَنْوَارِ (ط - بیروت)، ج ۱۶، ص:

۲۳۷

و نمازش در جماعت از همه کس خفیفتر (سبک و راحت تر) و سخنرانش کوتاهتر و از بیهودگی بدورتر بود

۴- دوست داشتنی نزدهمه

و بِرَوَايَةِ أُخْرَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ إِذَا وَصَفَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفَاءً وَ أَجْرًا النَّاسِ صَدْرًا وَ أَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَ أَوْفَاهُمْ ذِمَّةً وَ أَلْيَنَهُمْ عَرِيكَةً وَ أَكْرَمَهُمْ عَشْرَةً وَ مَنْ رَأَاهُ بِدَيْهَةٍ هَابَهُ وَ مَنْ خَالَطَهُ فَعَرَفَهُ أَحَبَّهُ لَمْ أَرَ مِثْلَهُ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۲۳۱

و بروایت دیگری از علی عليه السلام که آن حضرت پیغمبر صلى الله عليه وآله را چنین توصیف می کرد: دست و دل بازترین مردم، با جراتترین و راستگوترین و فاکتندترین و نرمخوترین مردم بود، از نظر قوم و عشیره کریمتر و برتر بود. هر کس او را زیارت می کرد در برخورد اول هیبتی بزرگ از وی احساس می کرد و چون با وی معاشرت می نمود و اخلاق او را می شناخت باو محبت پیدا می کرد، هرگز پیش از او و بعد از او کسی همانند او ندیده ایم.

۵- خوش زبان بادیگران

وَ فِيهِ أَيْضًا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ سَأَلَ كَعْبَ الْأَخْبَارِ كَيْفَ تَجِدُ نَعْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي التَّوْرَةِ فَقَالَ كَعْبٌ نَجَدُهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُوَلِّدُ بِمَكَّةَ وَ يَهَاجِرُ إِلَى طَيْبَةَ وَ يَكُونُ مُلْكُهُ بِالشَّامِ لَيْسَ بِفَحَّاشٍ وَ لَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَ لَا يُكَافِيُ السَّيِّئَةَ بِالسَّيِّئَةِ وَ لَكِنْ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۱، ص: ۲۳۹

از ابن عباس نقل است از کعب الاخبار سوال کردند در تورات چگونه توصیف پیامبر خدا صلى الله عليه وآله شده؟ او گفت در تورات اوبه اینطور بیان (توصیف) شده: محمد بن عبدالله کسی که در مکه متولد و به مدینه مهاجرت میکند و پادشاهی او (شام) هم میرسد بد زبان و بدگو در بازارها نیست و بدی رابه بدی جواب نمی دهد و لکن (بدی را) میبخشد و (ارآن) میگذرد

۶- صاف و بی آرایش بامردم

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يُبْلِغُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَ أَنَا سَلِيمٌ الصَّدْرُ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، ص: ۱۷

از ابن مسعود: پیغمبر صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ کس از اصحاب من برای من سخن چینی نکند و چیزی را که پشت سرم شنیده بمن نرساند که من دوست دارم با دلی صاف و سینه ای سالم از بین شما بروم.

۷- صبوری و تحمل

.... وَ يَصْبِرُ صلى الله عليه وآله لِلْغَرِيبِ عَلَى الْجَفْوَةِ فِي مَسْأَلَتِهِ وَ مَنْطِقِهِ حَتَّىٰ إِنْ كَانَ أَصْحَابُهُ لَيْسَتْ جَلْبُونَهُمْ وَ يَقُولُ صلى الله عليه وآله إِذَا رَأَيْتُمْ طَالِبَ الْحَاجَةِ يَطْلُبُهَا فَأَرْفِدُوهُ بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۱۵۳

پیامبر ﷺ در برابر غربت سخت شکیبایی می کرد، در برابر سخنان خشن و تند و سؤالهای بی رویه مردم تحمل بخرج میداد، حتی اگر یکی از اصحاب سائل غریبی را عقب می راندند که مزاحم پیغمبر نشود، ناراحت می شد، و می فرمود: چون حاجتمندی را دیدید حاجتش روا کنید

۸- بی تکلف با خود در زندگی شخصی و با دیگران در زندگی اجتماعی

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَ يَجْلِسُ جُلُوسَ الْعَبْدِ وَ يَعْلَمُ أَنَّهُ عَبْدٌ.
المحاسن، ج ۲، ص: ۴۵۶

امام صادق عليه السلام پیامبر ﷺ همچون بندگان خوراک می خورد، و همچون بندگان بر زمین می نشست، و می دانست که او بنده است.

عَنْ أَبِي ذرٍّ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَصْحَابِهِ فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ فَطَلَبْنَا إِلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنْ يَجْعَلَ مَجْلِسًا يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا أَتَاهُ فَبَنَيْنَا لَهُ ذُكَانًا مِنْ طِينٍ فَكَانَ يَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ نَجْلِسُ بِجَانِبَيْهِ
مكارم الاخلاق ص ۱۶

از ابی ذر: پیغمبر ﷺ همواره در میان جمع اصحاب می نشست که تازه وارد نمیدانست پیغمبر ﷺ کدامست (از نظر وضع مجلس) از حضرت اجازه خواستیم که برایش نشیمن مخصوص قرار دهیم، که غریبان او را بشناسند، اجازه داد و برایش دکهای ساختیم که او بر آن می نشست و ما گرد او می نشستیم.

۹- نحوه نشست و برخاست

عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ [عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ] عَنْ أَبِيهِ [عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام] قَالَ قَالَ قَالَ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام سَأَلْتُ خَالِي هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ.....

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَجْلِسُ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَ لَا يُوطِنُ الْأَمَاكِنَ وَ يَنْهَى عَنْ إِبْطَانِهَا وَ إِذَا انْتَهَى إِلَى قَوْمٍ جَلَسَ حَيْثُ يَنْتَهَى بِهِ الْمَجْلِسُ وَ يَأْمُرُ بِذَلِكَ يُعْطِي كَلًّا مِنْ جُلْسَائِهِ نَصِيبَهُ حَتَّى لَا يَحْسَبَ جَلِيسُهُ أَنَّ أَحَدًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْهُ مَنْ جَالَسَهُ أَوْ قَاوَمَهُ فِي حَاجَةٍ صَابِرَةً حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْصَرَفُ عَنْهُ وَ مَنْ سَأَلَهُ حَاجَةً لَمْ يَرُدَّهُ إِلَّا بِهَا أَوْ بِمَيْسُورٍ مِنَ الْقَوْلِ قَدْ وَسِعَ النَّاسَ مِنْهُ بَسْطُهُ وَ خَلَقَهُ فَكَانَ لَهُمْ أَبَا وَ صَارُوا عِنْدَهُ فِي الْحَقِّ سَوَاءً

مَجْلِسُهُ مَجْلِسُ حِلْمٍ وَ حَيَاءٍ وَ صَبْرٍ وَ أَمَانَةٍ لَا تُرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا يُوهَنُ فِيهِ الْحَرَمُ وَ لَا تُنْتَشَى فَلَتَاتُهُ مُتَعَادِلُونَ مُتَفَاضِلُونَ فِيهِ بِالتَّفَوُّي مُتَوَاضِعُونَ يُوقَرُونَ فِيهِ الْكَبِيرَ وَ يَرْحَمُونَ فِيهِ الصَّغِيرَ وَ يُؤَثِّرُونَ ذَا الْحَاجَةَ وَ يَحْفَظُونَ أَوْ قَالَ يَحُوطُونَ عِيُونَ أَخْبَارِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص: ۳۱۸ مكارم الأخلاق، ص: ۱۵

حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام بتوسط آباء امجاد خود از علی بن الحسین عليه السلام روایت کرده است که آن جناب فرمود حسن بن علی بن ابی طالب عليه السلام فرمود که از خال خود هند بن ابی هاله سؤال کردم.....

گفت پیغمبر اکرم ﷺ نمی نشست و بر نمی خاست مگر با ذکر نام خدای متعال و برای خود جایگاه مخصوصی (که نشانه تشخص و برتری باشد) قرار میداد و دیگران را هم از این کار نهی می فرمود: و چون به مجلسی وارد می شد هر جا که خالی بود همان جا می نشست و

دیگران را هم باین عمل امر مینمود. بهر یک از اهل مجلس بمقدار و در خور حالش توجه میکرد (و وقت می‌داد) که یکنفر نپندارد که دیگری نزد او برتر و گرامیتر است. هر کس با او مجالست می‌نمود یا برای حاجتی با وی بسخن می‌ایستاد آنقدر صبر می‌نمود تا طرف خداحافظی کند و هر کس از وی حاجتی می‌خواست یا حاجت روا و یا با سخنی گرم و مناسب روانه‌اش مینمود. مردم از اخلاق وسعه صدر او در راحت و فراخی بودند. و برای مردم پدری مهربان بود و همگان در نزد او از نظر حقوق در یک درجه قرار داشتند.

مجلس او مجلس حلم بردباری و شرم و صبر و امانت بود، در مجلس وی صداها بلند نمیگشت و حرمت کسی هتک و توهینی نمیشد و لغزشهای کسی بر ملا نمیگشت. مجلسیان او همگی در حد تعادل بوده تقوی را رعایت نموده، فروتنی پیشه میکردند. بزرگان احترام و توقیر می‌شدند و کوچکها و خردها مورد رحمت و شفقت قرار می‌گرفتند و حاجتمندان را بر خود ترجیح میدادند.

۱۰- احترام به بزرگان

عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَمَّا بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ أَتَيْتُهُ لِأَبَايَعَهُ فَقَالَ لِي يَا جَرِيرُ لَأَيِّ شَيْءٍ جِئْتَ قَالَ قُلْتُ لِأَسْلِمَ عَلَيَّ يَدَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْقَى لِي كِسَاءَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابُهُ فَقَالَ ﷺ إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَأَكْرَمُوهُ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، ص:

۲۴

از جریر بن عبد الله، گوید: چون پیغمبر ﷺ مبعوث گشت برای بیعت به محضرش شتافتم فرمود: ای جریر برای چه آمده‌ای؟ گفتم تا بدست تو مسلمان شوم، حضرت ﷺ ق عبايش را براي من پهن کرد و سپس رو باصحاب کرد و فرمود: چون بزرگ و کریم قومی بنزد شما آید او را گرامی دارید.

و در روایتی در کافی شبیه همین را فرموده الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۶۵۹

۱۱- همدلی با مردم و رعایت فهم همگان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّا أُمِرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ بِقَدْرِ عَقُولِهِمُ الْأَمَالِي (لِلطُّوسِي)، النَّص،

ص: ۴۸۲

پیامبر ﷺ فرمودند: ما گروه پیامبران مأموریم که با مردمان به اندازه عقلهاشان سخن گوئیم .

وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا حَدَّثَ الْحَدِيثَ أَوْ سَأَلَ [سُئِلَ] عَنِ الْأَمْرِ كَرَّرَهُ ثَلَاثًا لِيَفْهَمَ وَيَفْهَمَ عَنْهُ.

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۶، ص: ۲۳۴ مکارم الأخلاق، ص: ۲۰

از ابن عباس: پیغمبر ﷺ چون حدیث می‌گفت یا از چیزی سؤال می‌کرد آن را سه بار تکرار می‌کرد تا حدیث و سؤال او بخوبی مفهوم شود.

۱۲- راستی و راستگو با (دیگران) در شعار و عمل

- و كان صلى الله عليه يعرف أخبار الملوك و الجبابرة و كون العبر و المثلات في جميع الدهور السالفة و الآنفه من لدن آدم و ما بعده إلى قيام الساعة. و كان الصدق شعاره و دثاره و كان أوفاهم عقدا و عهدا و غدر قريش و العرب به مرة بعد أخرى مشهور في قصة الحديبية و غيرها. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص: ۸۸۵

او- صلى الله عليه و آله- اخبار پادشاهان و زورگویان را می دانست و پندها و بلاهایی که در اعصار گذشته و آینده از زمان حضرت آدم به بعد تا بر پا شدن قیامت بوده و خواهد بود را می دانست. و راستی و درستی، شعار و عمل او بود. و در وفای به عهد سرآمد قریش بود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

پیشگفتار..... ۲

الف- اخلاقی..... ۴

۱- کلیات..... ۴

۲- اخلاق قرآنی حضرت..... ۴

۳- اخلاق خوش نبوی..... ۵

۱- سیرت همیشگی خوش خلقی..... ۵

۲- استمداد از خدا بر خوش خلقی..... ۶

۳- خیر دنیا و آخرت در خوش خلقی..... ۶

۴- پیامبر رافت و رحمت با چهره بشاش..... ۶

- ۵- خوش خلقی محبوب و دستور صریح خدای تعالی..... ۶
- ۶- اخلاق نیک و سلوک پسندیده سبب زینت نزد خدا و مردم..... ۷
- ۷- غیرت شدید در بین صفات زیبای اخلاقی پیامبر..... ۷
- ۴- دستورات الهی به اخلاق خوب (وصفات خوب الهی) به پیامبر اکرم..... ۹
- ۱- سفارشهای ویژه اخلاقی حقتعالی..... ۸
- ۲- تربیت شده خداوند به بهترین اخلاق..... ۸
- ۳- صفات بد اخلاقی کارهای نیک آدمی را تباه می سازد آنچنان که سرکه عسل را..... ۹
- ۴- خیر و بهره خوب (دنیا و آخرت) در اطاعت اهل بیت:..... ۱۰
- ۵- مدارا (همکاری و همزیستی) یا مردم، سفارش خدای تعالی..... ۱۰
- ۶- ادب تقیه برای هر چه موفق شدن..... ۱۰
- ۷- نهی خداوند تعالی از نزاع و کشمکش با مردم..... ۱۱
- ب- سیره و روش عملی..... ۱۱
- ۱- نشستن حضرت و آداب نشستن..... ۱۱
- ۱- رعایت حال کوچک و بزرگ..... ۱۱
- ۲- نشست و برخاست از روی تکبر مورد نهی خدا و رسول..... ۱۱
- ۳- نشستن در مکان پایین تر از شان اجتماعی..... ۱۲

۴- نشستن روبه قبله و خوابیدن با ذکر الهی ۱۲

۵- حق مجالس را ادا کنید ۱۲

۶- نحوه و چگونگی نشستن ۱۲

۲- عفو و صفح (بخشش و گذشت) ۱۳

۱- بهترین اخلاق دنیا و آخرت ۱۳

۲- عفو (شخصی) از قاتل یهودی (دشمن ذاتی مسلمان) ۱۳

۳- هرگز انتقام نگرفتن در امور شخصی ۱۴

۴- شبیه ترین اخلاق به اخلاق نبی اکرم ﷺ ۱۴

۵- عفو سفارش خدا به پیامبر ﷺ ۱۴

۶- عفو از روی جوانمردی و مردانگی ۱۵

۷- بدی رابه خوب یا خوبترین، پاسخ می داد ۱۵

۸- عفو عمومی حتی از دشمنان کمربسته (در وقت ضعف و نیاز آنان) ۱۵

۳- حیا ۱۶

۱- حیا و خجالتی با تایید قرآن شریف ۱۶

۲- شرمی از روی بزرگی و بزرگواری ۱۶

۳- حیائی از عمق جان ۱۷

۴- عاقبت بی حیایی ۱۷

۴- وفای به عهد و وعده..... ۱۷

۱- پایبندی شدید به وعده و حضور در وعده گاه..... ۱۸

۲- پرداخت امانتهای ناچیز و کم ارزش..... ۱۸

۳- پرداخت امانت حتی به صاحبان فاجرو بدکارش..... ۱۸

۴- جوانمردی در وعده..... ۱۹

۵- پایبندی به پیمان نامه «حلف الفضول»..... ۱۹

۵- جود و بخشیدن..... ۱۹

۱- بالاتر از بخشش، ایثار و از خود گذشتگی..... ۱۹

۲- صدقه تا بالاترین حد..... ۲۰

۳- در غنی و ثروت (دارایی و نداری) ابدافقیری را رد نکرد..... ۲۰

۴- بخششی ادامه دار و سریع..... ۲۰

۵- هرگز و ابدا هیچ سائل و درخواست کننده ای را رد نمی کرد..... ۲۱

۶- نظر بلندی..... ۲۱

۷- بخشنده ترین مردم روی زمین..... ۲۱

۸- باروی باز با سائل روبرو شدن..... ۲۱

۹- هرگز به هیچ سائلی نه نگفت..... ۲۲

۱۰- نمونه ای از ایثار حضرت در واردین به او..... ۲۲

۱۱- انفاقهای فراوان در وقتهای مخصوص..... ۲۲

۱۲- امر حقتعالی به میانه روی در برابر انفاق و انفاقهای زیاد و عجیب او ۲۲

۱۳- هرگز «نه» در کلامش نبود..... ۲۳

۱۴- بخشنده ترین مردم..... ۲۳

۶- رضا و غضب ۲۳

۱- دیرتر از همه غضبناک و زودتر از همه راضی می شد..... ۲۴

۲- خشمی جدی فقط برای خدا..... ۲۴

۳- گذشت در رضا و غضب..... ۲۴

۴- نشانی از رضا و خشنودی در چهره..... ۲۵

۵- عفو و گذشت همراه با اخلاقیهای زیبا..... ۲۵

۶- در حال خشنودی و خشم فقط حق گفتن..... ۲۶

۷- محبوب ترین جرعه ها در نزد خداوند متعال..... ۲۷

۸- سپاس زبانی در وقت رضا و نعمت..... ۲۷

۹- انصاف در غضب و رضا..... ۲۷

۱۰- غضب کنترل شده آنهم نه در امور شخصی..... ۲۸

۷- صبر ۲۸

۱- دستوره صبر و پایداری به آن و پاداش دنیوی علاوه بر اخروی بر آن..... ۲۹

۲- هدایای بزرگ الهی و تفسیر صبر..... ۳۰

۳- اختیار صبر بر اذیت‌های شدید مخالفین در عین مستجاب الدعوه بودن..... ۳۱

۸- گریه و بکاء از خوف و خشیت الهی..... ۳۱

۱- چشمانی که در قیامت نمی‌گریند..... ۳۲

۲- عبادت در حد مشقت و گریه زیاد از خوف خدا در حد غش کردن بیاس بندگی..... ۳۲

۳- گریه‌های شدید از روی معرفت به بزرگی معبود و کوچکی خود..... ۳۳

۹- سلام و سبقت بر آن..... ۳۳

۱- سلام و درود ملائکه به بهشتیان..... ۳۳

۲- تحیت و درود بهشتیان به یکدیگر..... ۳۴

۳- پاسخ سلام، بهتر از خودش باشد..... ۳۴

۴- سلام بلند و با صدای رسا بهترین اخلاق انبیاء..... ۳۴

۵- کسیکه از همه کس بیشتر مورد توجه خدا و رسول است..... ۳۵

۶- افنخار به سلام به کوچک و بزرگ..... ۳۵

۷- سلام با احتمال افتادن در دام شیطان..... ۳۵

۸- تحیت مومنین و اهل بهشت «السلام علیکم»..... ۳۵

۹- جواب سلام بهتر از اصل سلام..... ۳۶

۱۰- خنده و تبسم..... ۳۶

۱- چهره باز، با تبسم همیشگی و در همه مواقع..... ۳۶

۲- مزاح و شوخی و بازی باچه هاروش و سنت صالحه..... ۳۶

۳- خنده زیاد سبب از بین رفتن ایمان و دلمردگی..... ۳۷

۱۱- زهد و بی رغبتی به دنیا..... ۳۷

۱- حقیقت دنیا..... ۳۷

۲- حقیقت زهد و بی رغبتی به دنیا..... ۳۸

۳- بهترین و زیباترین آرایش نزد خدا..... ۳۸

۴- چیزی که خدا بر آن می بالد و بر صاحبش درود می فرستد..... ۳۸

۵- زهد بالای پیامبر ﷺ بدلیل معرفت او به بی ارزشی دنیا..... ۳۸

۶- بابتی نیازیش هرگز کامل از مواهب حلال دنیا استفاده نکرد..... ۳۹

۱۲- شکر..... ۴۱

۱- تشویق و امر به شکر گزاری..... ۴۱

۲- روزی شکر گذار و روزی درخواست کننده..... ۴۲

۳- تلاش بی وقفه در شکر گذاری..... ۴۲

۴- فقط و فقط درخواست از خدا و گدای او..... ۴۲

۱۳- امانتداری..... ۴۳

۱- لزوم امانتداری بر خوبان و بدان..... ۴۳

۲- برگرداندن تمام امانتها حتی امانتهای ناچیز به صاحبانش..... ۴۳

- ۳- راستگویی و امانتداری دو فرمان همه انبیاء..... ۴۴
- ۴- امانت دهنده اگر قاتل علی علیه السلام باشد هم در امانتش خیانت نکن..... ۴۴
- ۱۴- تواضع و فروتنی..... ۴۴**
- ۱- نهایت تواضع از ناحیه اولین و مهمترین شخصیت عالم هستی..... ۴۵
- ۲- تواضع باب و درب ورودی عبادات الهی..... ۴۵
- ۳- فروتنی باعث بالا رفتن و ترقی انسان..... ۴۶
- ۴- تواضع در محل نشستن..... ۴۶
- ۵- در عین آقایی و بزرگی، با همه فروتن و متواضع..... ۴۶
- ۶- خاکی مثل توده مردم..... ۴۷
- ۷- انتخاب بندگی و نبوت و تواضع و رد کردن پادشاه پیامبر بودن..... ۴۷
- ۸- هر کس برای خدا کوچکی کرد خدا او را بالا میبرد..... ۴۸
- ۹- روشی نیکو در طول زندگی و تار و زمرگ..... ۴۸
- ۱۰- پادشاه عالمیان گل سرسبد عالم هستی و گرسنه..... ۴۸
- ۱۱- عبودیت بندگی کمال افتخار رسول خدا ۳ و، بالاترین مدال الهی به رسولش..... ۴۹
- ۱۲- سنتی دائمی با فروتنی قابل ستایش..... ۵۰
- ۱۳- استادی در نهایت تواضع، مانند دیگر شاگردان..... ۵۰
- ۱۴- فروتن حتی در زندگی شخصی..... ۵۱

۱۵- در اثر توضع بالای او، کسی از او نمیترسید..... ۵۱

۱۶- افتادگی در برابر مردم و احترام به همه..... ۵۱

۱۷- تواضع و رفعت و پرواز به مقامهای بالا و تکبر و افتادن..... ۵۲

۱۸- بانسانهای ضعیف و بردگان و زبردستان و کودکان..... ۵۲

۱۹- احترام به کوچک و بزرگ..... ۵۳

۲۰- افتادگی روش و سنتی همیشگی..... ۵۴

۲۱- قلب رحیم و پرمهر و دست دهنده..... ۵۴

۱۵- عبادت و بندگی و ذکر خدا..... ۵۵

۱- تلاش خستگی ناپذیر در عبادت..... ۵۵

۲- حالات شگفت انگیز در عبادت..... ۵۵

۳- نگاه عاشقانه به عبادت خدا و نماز..... ۶۰

۴- معرفت بالادرشناخت خدا..... ۵۶

۵- پناه به خدا همه وقت..... ۵۶

ج- اجتماعی..... ۵۷

در اجتماع..... ۵۷

۱- مدارا با مردم و مردم داری..... ۵۷

۲- توجه به مخاطبان در کلام و عمل..... ۵۸

- ۳- رعایت دیگران در عمل ۵۸
- ۴- دوست داشتنی نزد همه ۵۸
- ۵- خوش زبان بادیگران ۵۹
- ۶- صاف و بی آرایش بامردم ۵۹
- ۷- صبوری و تحمل ۵۹
- ۸- بی تکلف با خود در زندگی شخصی و بادیگران در زندگی اجتماعی ۵۹
- ۹- نحوه نشست و برخاست ۶۰
- ۱۰- احترام به بزرگان ۶۱
- ۱۱- همدلی بامردم و رعایت فهم همگان ۶۱
- ۱۲- راستی و راستگو با (دیگران) در شعار و عمل ۶۱

